



A new Formulation of the Concept of the Spatial Justice Discourse: A framework for the Analysis of Tehran City

Mojtaba rafieian¹ – Iraj GHasemi²-Kamal Nouzari³

¹- Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

²- Assistant Professor, Department of Regional and Urban planning, Institute of Human and Social Science Research, Tehran, Iran

³- Ph.D Student, Geography and Urban Planning, Institute of Human and Social Science Research, Tehran, Iran

* Corresponding another, rafiei_m@modares.ac.ir

ARTICLE INFO ABSTRACT

UPK, 2019

VOL.3, Issue.3, PP, 21-44

Received:4 Sep 2019

Accepted: 19 Nov 2019

Dep. of Urban Planning

University of Guilan

KEYWORDS: Space, Dialectic, Spatial Justice discourse, Urban Policy-making, Tehrān City

Background: The issue of justice and its link with the space in the form of the spatial justice discourse has become one of the main issues in the urban topics in the last two decades. The spatial sensitivity to the justice and knowing the processes and regulations leading to it is considered a very important issue, due to the extensive spatial changes in Tehrān, especially in the recent years.

Objectives: The purpose of this study was to present a different analysis of the spatial justice discourse based on the dialectical formulation of this concept and its assessment in Tehrān.

Method: It was a mixed methods study with a sequential exploratory design. Here, there is an initial phase of the qualitative data collection and analysis, followed by a phase of the quantitative data collection and analysis (with more emphasis on the first qualitative phase). So, after the final selection of the criteria of the spatial justice discourse and its components based on the theoretical frameworks, with regard to the dimensions considered for the research; at first, the urban management policy paper was evaluated based on these criteria and using the method of the theme analysis.

Result: In the next step, the results of the urban management policy-making in the urban space have been examined through the quantitative method, the secondary analysis and the analysis of the statistical results.

Conclusion: The results have been explained in the form of the two concepts of "justice/injustice of spatiality" and "spatiality of justice/injustice". Based on the first concept that implies the capacity of the existing structures to generate the injustice through space; some areas and dimensions of the spatial justice have been addressed relatively in the urban management policy paper. Based on the second concept, through which the injustice in the space could be understood by analyzing the distributive patterns, the spatiality of injustice has a concrete manifestation in the context of Tehrān, and the desired goals of the urban management policy making have not been met in many areas.

Highlights:

The issue of spatial/urban justice has undergone many conceptual changes in an attempt to rethink the relationship between power, space, policy-making and planning.

In this paper, based on new approaches emphasizing the dialectical formulation of the concept of spatial justice from the point of view of Soja and Dikec, a different analysis of spatial justice discourse was presented based on the analysis of the relationship of justice / injustice and space in Tehran city.

Although the document of urban management policy-making of Tehran, at least in its aims and intentions, focused on establishing spatial justice in Tehran city, but there was little consistency between policy goals and institutional-executive decisions, and as a result, the actual effects of these decisions were different from those goals.

Cite this article:

Rafieian, M., Ghasemi, I., Nouzari, K. (2019). A New Formulation of the Concept of Spatial Justice Discourse a Framework for the Analysis of Tehran City. *Urban Planning Knowledge*, 3(3), 21-44. doi: 10.22124/upk.2019.14284.1281

صورت بندی جدید از مفهوم گفتمان عدالت فضایی

چارچوبی برای تحلیل شهر تهران^۱

مجتبی رفیعیان*^۱ - ایرج قاسمی^۲ - کمال نوذری^۳

۱- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: rafiei_m@modares.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>بیان مسأله: موضوع عدالت و پیوند آن با فضا در قالب گفتمان عدالت فضایی در دو دهه اخیر به یکی از مباحث اصلی در موضوعات شهری تبدیل شده است. در شهر تهران به دلیل دگرگونی و تغییرات گسترده به ویژه در سال‌های اخیر، حساسیت فضایی به مقوله عدالت و شناخت فرایندها و قانونمندی‌های منجر به آن مسئله‌ای بسیار مهم به شمار می‌رود. هدف: در این راستا هدف پژوهش، ارائه تحلیل متفاوتی از گفتمان عدالت فضایی بر پایه صورت بندی دیالکتیکی از این مفهوم و سنجش آن در شهر تهران بوده است.</p> <p>روش: روش‌شناسی پژوهش از نوع ترکیبی با تأکید بر روش کیفی بوده به طوری که رهیافت کمی به دنبال رهیافت کیفی و به عنوان مکمل اجرا شده است. در این زمینه پس از انتخاب نهایی معیارهای گفتمان عدالت فضایی و مؤلفه‌های آن بر اساس چارچوب‌های نظری، با توجه به ابعاد در نظر گرفته شده برای پژوهش؛ در ابتدا سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری بر اساس این معیارها با استفاده از روش کیفی و تحلیل تم مورد ارزیابی قرار گرفته و در گام بعدی نتایج سیاست‌گذاری مدیریت شهری در فضای شهری از طریق روش کمی و تحلیل ثانویه و تحلیل نتایج آمارهای موجود مورد بررسی قرار گرفته است.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های پژوهش در قالب دو مفهوم «عدالت/ ناعدالتی حالت فضایی» و «حالت فضایی ناعدالتی/ عدالت» تبیین شده است.</p> <p>نتیجه: در چارچوب مفهوم نخست که بر ظرفیت ساختارهای موجود در تولید ناعدالتی از طریق فضا دلالت دارد؛ در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری، برخی زمینه‌ها و ابعاد عدالت فضایی به صورت نسبی مورد توجه قرار گرفته است. در چارچوب مفهوم دوم که می‌توان با تحلیل الگوهای توزیعی به تشخیص ناعدالتی در فضا پی برد؛ نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که در بستر اجرا در شهر تهران حالت فضایی ناعدالتی نمود عینی دارد و اهداف مورد نظر سیاست‌گذاری مدیریت شهری در بسیاری از زمینه‌ها محقق نشده است.</p>	<p>دانش شهرسازی، ۱۳۹۸ دوره ۳، شماره ۳، صفحات ۲۱-۴۴ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان</p> <p>کلید واژه‌ها: فضا، دیالکتیک، گفتمان عدالت فضایی، سیاست‌گذاری شهری، شهر تهران</p>
<p>نکات برجسته:</p> <p>موضوع عدالت شهری/ فضایی با هدف تلاش برای تجدید نظر درباره روابط بین قدرت، فضا، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دچار تغییرات مفهومی زیادی شده است.</p> <p>در این پژوهش تلاش گردیده که بر پایه رویکردهای جدید با تأکید بر صورت بندی دیالکتیکی مفهوم عدالت فضایی از نظر سوچا و دیکسی، تحلیل متفاوتی از گفتمان عدالت فضایی بر مبنای واکاوی رابطه عدالت/ ناعدالتی و فضا در شهر تهران ارائه گردد.</p> <p>هر چند سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری شهر تهران حداقل در اهداف و نیت خود به برقراری عدالت فضایی در شهر تهران توجه داشته، اما بین اهداف سیاستی و تصمیم‌های نهادی- اجرایی سازگاری اندکی وجود داشته و در نتیجه آثار واقعی این تصمیم‌ها، متفاوت از این اهداف بوده است.</p>	

ارجاع به این مقاله:

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری آقای کمال نوذری با عنوان «تبیین سیاست‌گذاری مدیریت شهری در چارچوب گفتمان عدالت فضایی؛ مورد شهر تهران» است که به راهنمایی دکتر مجتبی رفیعیان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی انجام شده است.

رفیعیان، مجتبی، قاسمی، ایرج و نوذری، کمال. (۱۳۹۸). صورت بندی جدید از مفهوم گفتمان عدالت فضایی چارچوبی برای تحلیل شهر تهران. *دانش شهرسازی*، ۳(۳)، ۴۴-۲۱

Doi: 10.22124/upk.2019.14284.1281

مقدمه

با شکست دست‌یابی به آرمان شهرهای سوسیالیست در قرن بیستم؛ در قرن بیست و یکم دیدگاه‌های جدیدی در زمینه عدالت در شهر ارائه شده است. در این زمینه بیشتر نظریه‌پردازی‌های اخیر تلاش دارند تا به جای انتقاد صرف از سرمایه‌داری، نظریه و عمل برنامه‌ریزی را به سمت عدالت در شهر سوق دهند و دورنمای مطلوب‌تری از آینده شهری را ارائه دهند. موضوع عدالت توسط اندیشمندان در مباحث برنامه‌ریزی شهری از دهه آخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم به یکی از موضوعات اصلی تبدیل شده و به ویژه با مقوله فضا پیوندی عمیق برقرار کرده است. از همین روست که موضوع عدالت فضایی در سال‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و به یکی از موضوعات پرچالش در مباحث شهری تبدیل شده است.

با این وجود در زمینه عدالت فضایی در پیشینه نظری جهانی مطالعات اندکی وجود دارند که به طور واضح مفهوم عدالت فضایی در شهر و جنبه‌های آن را مورد بررسی قرار داده باشند. هر چند که افرادی مانند سوزان فاینشتاین^۱، ادوارد سوچا^۲، مصطفی دیکسی^۳ و دیگران در این زمینه نظرات، معیارها و مصادیقی را ارائه کرده‌اند؛ اما با توجه به رویکردها و خطوط فکری متفاوت و چندگانه‌ای که وجود دارد؛ هنوز گفتمان عدالت فضایی دارای پیچیدگی، ابهام و حتی استفاده نابجا است. به طوری که تقلیل مفهوم عدالت فضایی صرفاً به توزیع خدمات در ارتباط با نیازهای شهروندان و استانداردهای خدمات، همان‌طور که در ادامه در مباحث اندیشمندان این حوزه نیز به آن اشاره می‌شود؛ برداشتی سطحی از معنای عدالت فضایی است. موضوع عدالت شهری/ فضایی با هدف تلاش برای تجدید نظر درباره روابط بین قدرت، فضا، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دچار تغییرات مفهومی زیادی شده است. فهم این که نظام قدرت چگونه فضا را به کار می‌گیرد و چگونه در فضا به کار گرفته می‌شود و این که قدرت چگونه در معانی فضا آشکار می‌شود دارای اهمیت است.

ادوارد سوچا عنوان می‌کند عدالت فضایی تنها به معنی عدالت در تخصیص منابع نیست. بلکه عدالت فضایی بازنگری در روابط تولید است (Soja, 2009). بنابراین تبیین و شناخت فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر به تولید فضا از جنبه عادلانه یا ناعادلانه بودن آن، اهمیت بیشتری در رویکردها و نظرات جدید عدالت فضایی دارد.

دیکسی در سال ۲۰۰۹ عنوان می‌کند که در دهه اخیر، حداقل در دانشگاه‌های انگلیسی‌زبان، تلاش‌های قابل‌توجهی در جغرافیا و مطالعات شهری شده است تا فضا را به صورت سیاسی و سیاست را به صورت فضایی درک کنند. از نظر وی این می‌تواند خبر خوبی باشد؛ برای این که شهر و فضای شهری را به عنوان مکان‌های سیاسی بالقوه‌ای برای تفسیر و مطالبه حقوق و برای مبارزه علیه اشکال مختلفی از ناعدالتی که به صورت فضایی تولید و آشکار می‌شود، در نظر می‌گیرد (Dikeç, 2009).

هر چند که هنوز مفهوم گونه ایده آل شهر مبتنی بر عدالت فضایی به عنوان یک چهارچوب راهنما و عمل در موارد زیادی مبهم باقی مانده است ولی این مسأله نمی‌تواند مانع حرکت سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران شهری به سمت برقراری معیارها و مشخصه‌های عدالت در شهر باشد. در این میان سیاست‌گذاری عرصه مهمی برای اجرای عدالت و از جمله عدالت فضایی به شمار می‌رود و مصادیق ایجاد ناعدالتی را می‌توان در موارد زیادی در سیاست‌گذاری‌های شهری مشاهده کرد. چرا که مدیریت شهری در عرصه سیاست‌گذاری چه در فرایند تصمیم‌گیری و چه در زمینه نتایج این تصمیم‌ها، اختیارات قابل ملاحظه‌ای دارد. از نظر هاروی نیز حقوق شهری و عدالت، متأثر از نهادهای مکانی قدرت‌های سیاسی هستند (هاروی، ۱۳۹۲: ۸۰).

در شهر تهران در سال‌های گذشته اقدامات زیادی عمدتاً بزرگ مقیاس و پرهزینه با ادعای کاهش فاصله و شکاف شمال و جنوب توسط مدیریت شهری انجام شده است. این اقدامات سیما و فضای شهری را به شکل متفاوتی تغییر داده که در مجتمع‌های تجاری، بزرگراه‌ها، ساختمان‌های بلند مرتبه و برخی مراکز خدماتی بزرگ مقیاس نمایان است.

در این رابطه کشف این که فرایند تصمیم‌گیری در خصوص مکان، زمان، میزان و هدف توزیع چگونه و بر عهده چه کسی است؟ و نابرابری‌ها و تفاوت‌های کنونی (در فضاها شهری) چگونه و توسط چه کسانی و بر اساس چه ساز و کاری و تحت چه شرایطی به وجود آمده‌اند و این که آیا این وضعیت قابل تغییر است و می‌توان در جهت بهبود آن اقدام کرد یا خیر؟ اهمیت زیادی در گفتمان عدالت فضایی دارد. برای پاسخ به این سؤالات و فهم چگونگی عدالت فضایی می‌بایست نه تنها الگوهای توزیعی در فضا،

1. Susan S. Fainstein

2. Edward Soja

3. Mustafa Dekec

بلکه فرایندها و ارتباطاتی که این الگوها را تولید و باز تولید می‌کنند را نیز مورد بررسی قرار داد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، تنها این نیست که عدالت یا ناعدالتی فضایی به صورت الگوهای توزیعی در شهر تهران نمود عینی دارد (که البته این با پژوهش‌های دیگری نیز به اثبات رسیده است)؛ بلکه موضوع اساسی این است که دینامیسم، اصول، ابزارها، شیوه‌ها و فرایندهای (ساختارها، نهادها و سیاست‌گذاری‌ها) تولید و باز تولید ناعدالتی فضایی کدامند و چگونه کار می‌کنند؟ در این راستا این پژوهش با هدف ارائه تحلیل متفاوتی از گفتمان عدالت فضایی بر پایه صورت بندی دیالکتیکی از این مفهوم و سنجش آن در شهر تهران و با فراهم کردن مبنای نظری لازم برای درک مسئله در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است: قانونمندی‌های حاکم (مؤلفه‌ها و ابعاد عدالت فضایی) بر سیاست‌گذاری مدیریت شهری در شهر تهران از دیدگاه عدالت فضایی چگونه است؟ و به عنوان مکمل، نتایج سیاست‌گذاری مدیریت شهری در چارچوب گفتمان عدالت فضایی تا چه اندازه به تولید و باز تولید عدالت یا ناعدالتی فضایی منجر شده است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش ابتدا پیشینه و تغییرات مفهوم عدالت فضایی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با بررسی اجمالی نظریه‌های مرتبط با عدالت در برنامه ریزی شهری، معیارهای مرتبط با عدالت فضایی ارائه گردیده و در نهایت با بررسی مفاهیم و رویکردهای جدید در زمینه گفتمان عدالت فضایی، الگوی تحلیلی پژوهش بر مبنای آن طراحی شده است.

عدالت فضایی: پیشینه، مفهوم و معیارها

سوجا عنوان می‌کند که شروع نگرش تاریخی - جغرافیایی در مورد مفهوم عدالت فضایی، به پولیس یونانی و ایده ارسطویی بر می‌گردد که بیان می‌کند مدنی بودن، اساس سیاسی بودن است؛ این مفهوم، ما را به زمان پدیدار شدن لیبرال دموکراسی و دوره انقلاب (فرانسه) و سرانجام توجه به بحران‌های شهری دهه ۱۹۶۰ هدایت می‌کند که شاخص‌ترین و نمادی‌ترین شکل آن در نانتر^۱ اتفاق افتاد. پاریس در دهه ۱۹۶۰ و به ویژه هم‌زمان با هانری له‌فور و میشل فوکو، مولدترین مکان برای ایجاد یک ادراک جدید و رادیکالی از فضا و حالت فضایی و به ویژه مفهوم شهری و فضایی از عدالت شد که این اتفاق به واضح‌ترین شکل ممکن در فریاد له‌فور برای پس گرفتن کنترل حق به شهر و حق به تفاوت خلاصه می‌شود (Soja, 2009).

تحركات دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در وارد کردن «مسئله شهر» به دستور کار سیاسی^۲ تأثیر فراوانی داشتند. دو دلیل اصلی برای گسترش حساسیت شهری در این دوره را می‌توان تشخیص داد. نخست، واکنش فزاینده‌ای به رویکرد عملکردی به شهر وجود داشته و نیز تأکید روبه رشد بر ارزش مبادله‌ای شهر به ضرر ارزش استفاده آن^۳ با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شده بود. دوم، همان طور که برتو^۴ (۱۹۹۹) بیان می‌دارد، جست‌وجو برای جنبش‌های اجتماعی جایگزین جنبش کارگری و نیز (جست و جو) برای نیروی بسیج سیاسی که نسبت به نیروهای بسیج سنتی که بر مبنای کار بودند ماهیت فضایی و شهری بیشتری داشته باشد، وجود داشت (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

از نظر سوجا سیر تکامل دیدگاه فضایی انتقادی، به وسیله کتاب دیوید هاروی با عنوان «عدالت اجتماعی و شهر» که در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید، دچار گسترش و تغییر جهت شد. هاروی در این کتاب نیز، همانند سایر نوشته‌های خود، هرگز از اصطلاح تخصصی عدالت فضایی استفاده نکرد و ترجیح داد تا از اصطلاح عدالت سرزمینی که آن را از بلدین دیویس^۵، برنامه‌ریز ولزی، وام گرفته بود استفاده کند تا تفسیر خود از حالت فضایی عدالت را توصیف کند. هاروی در کتاب خود با عنوان «قواعد لیبرال»، ادراک فضایی از عدالت را بهبود بخشید و بیش از او، همه بحث‌های انجام گرفته به زبان انگلیسی از آن موقع تاکنون را شکل داده است.

1. Nanterre (واقع در ناحیه ایل- دو - فرانسه)

2. Political Agenda

3. City Exchange Value to The Detriment of Its Use Value

4. Bertho

5. Bleddyn Davies

به رغم این که هاروی، سهم له‌فور به عنوان یک فیلسوف مارکسیست را در مورد فضا تشخیص داد، با وجود این، فلسفه مارکسیستی هاروی، او را از علیت فضایی^۱ و تمرکز بر خود عدالت دور کرد (Soja, 2009).

سوجا در مقاله شهر و عدالت فضایی در سال ۲۰۰۹ در مورد این که چرا اصطلاح تخصصی عدالت فضایی به یکباره در پنج سال اخیر بدون این که سابقه‌ای در مورد استفاده از آن در ادبیات پیشینه وجود داشته باشد باب شده و نیز این که احتمالاً در سال‌های آینده این ترجیح وجود خواهد داشت تا از این اصطلاح استفاده شود؛ موارد زیر را برمی‌شمارد (Soja, 2009):

- علایق شما هر چه که باشد، شما با پذیرش دیدگاه فضایی انتقادی می‌توانید آن‌ها را تا حد زیادی بهبود بخشید.
- داشتن تفکر فضایی در مورد عدالت، نه تنها باعث غنی‌تر شدن درک ما از اصول نظری می‌شود، بلکه می‌تواند بینش‌های جدید و مهمی را ایجاد کند که دانش عملیاتی ما را توسعه بخشیده و منجر به عملکردهای مؤثرتر برای دستیابی به عدالت و دموکراسی بیشتر شود. از سوی دیگر، در صورتی که اصطلاح فضایی به شکلی واضح و متقاعد کننده بیان نشود، این فرصت‌ها تا این حد آشکار نخواهند بود.

- پس از یک قرن و نیم قرار گرفتن در زیر سلطه مکتب تاریخ اجتماعی، داشتن طرز تفکر فضایی در دهه گذشته تقریباً در همه حیطه‌های علمی، از باستان‌شناسی و شعر سرایی گرفته تا مطالعات دینی و مذهبی، انتقاد ادبی، مطالعات حقوقی و حسابداری (مالی)، گسترش یافته است، به گونه‌ای که شناخت و کاربرد دیدگاه فضایی انتقادی هرگز در گذشته از چنین رواجی برخوردار نبوده است.

- همانند آن چه در مورد طرز تفکر له‌فور از حقوق شهروندی مشاهده می‌شود، دلیل اصلی که باعث شده است تا مفهوم عدالت فضایی و برخورداری از یک طرز تفکر فضایی در ایده‌های اصلی ما در مورد دموکراسی و حقوق انسانی مورد توجه قرار گیرد، چیزی است که به عنوان «چرخش فضایی»^۲ نامیده می‌شود. اگرچه این مفهوم حتی تا پنج سال پیش به آسانی قابل درک نبود، امروزه توجه شهودگانی زیادی را در غیر از رشته‌های فضایی سنتی مانند جغرافیا، معماری و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به خود جلب کرده است.

- در سال‌های اخیر، طرز تفکر در مورد فضا تا حد زیادی، از نظریه‌های نقشه‌کشی مسطح فضا به عنوان جایی یا مکانی که فعالیت‌های انسانی در آن شکل می‌گیرد یا صرفاً ابعاد فیزیکی یک شکل ثابت، به یک نیروی پویا که زندگی انسان را شکل می‌دهد، تغییر کرده است. تأکید جدیدی که به ویژه بر علیت فضایی شهری صورت گرفته است، به منظور بررسی تأثیراتی می‌باشد که تراکم شهری نه تنها بر روی رفتارهای روزانه، بلکه بر فرآیندهایی از قبیل نوآوری فناوری، خلاقیت هنری، توسعه اقتصادی، تغییرات اجتماعی و نیز تنزل محیطی، دو قطبی شدن جامعه، بیشتر شدن فاصله درآمد‌ها و فاصله طبقاتی، سیاست‌های بین‌المللی و به طور خاص‌تر بر ایجاد عدالت و ناعدالتی می‌گذارد.

- امروزه دیدگاه فضایی انتقادی بر حول سه محور قرار دارد:
الف) حالت فضایی هستی‌شناسی^۳ ما انسان‌ها (ما انسان‌ها علاوه بر اینکه موجوداتی اجتماعی و زمانی هستیم، موجوداتی فضایی نیز می‌باشیم).

ب) تولید اجتماعی حالت فضایی (فضا به طور اجتماعی تولید می‌شود و بنابراین می‌تواند به طور اجتماعی نیز تغییر کند).

پ) دیالکتیک اجتماعی - فضایی (تأثیر فضا بر شکل‌گیری جامعه، بیش از تأثیر جامعه بر شکل‌گیری فضا می‌باشد).

- اهمیت دادن به بررسی دیالکتیک اجتماعی - فضایی به این معنا است که ما تشخیص دهیم که جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنیم می‌تواند از تأثیرات منفی و نیز مثبت بر هر آن چه ما به طور عملی انجام می‌دهیم برخوردار باشد. فوکو با نشان دادن اینکه چگونه تعامل بین فضا، دانش و قدرت می‌تواند هم از تأثیرات مثبت و هم از تأثیرات منفی برخوردار باشد، این موضوع را دریافت کرد.

- این ایده‌ها، حقیقت علیت فضایی عدالت و ناعدالتی و نیز عدالت و ناعدالتی ایجاد شده در حالت فضایی محدوده‌های جغرافیایی چند مقیاسی که ما در آن زندگی می‌کنیم، از فضای بدن و خانه گرفته تا فضای شهرها، مناطق، کشورها و مقیاس جهانی را نشان می‌دهد.

1. Spatial Causality

2. Spatial Turn

3. The Ontological Spatiality

- تا زمانی که این ایده‌ها به طور گسترده مورد درک و پذیرش قرار گیرند، ضرورت دارد که تا حد ممکن حالت فضایی عدالت را روشن و واضح و مبنی بر علت بسازیم.

بر این اساس موضوع عدالت هر چند که سابقه بیش از چندین دهه در پیشینه توسعه شهری دارد. اما سابقه کاربرد اصول عدالت در برنامه‌ریزی شهری/شهرسازی و پیوند آن با فضا قدمت چندان طولانی ندارد.

در زمینه عدالت در برنامه ریزی شهری به طور مشخص نظریه‌های مختلفی از جمله برنامه‌ریزی وکالتی، برنامه‌ریزی عدالت خواه، نظرات دیوید هاروی، برنامه‌ریزی بده- بستانی (انتقالی)^۱، برنامه‌ریزی ارتباطی و رویکرد شهر عدالت محور^۲ سوزان فاینشتاین، بحث عدالت را در شهر و فضای شهری مورد توجه قرار داده‌اند. در این رابطه به طور مشخص می‌توان دو جریان فکری اصلی را در زمینه مباحث عدالت در نظریه‌های برنامه ریزی شهری مورد بررسی قرار داد:

- نخست: نظراتی که در درون فلسفه سیاسی لیبرال و پس از جنگ جهانی دوم پدیدار شده که عمده آن‌ها در چارچوب عقلانیت ارتباطی هابرماس قابل بررسی هستند.

- دوم: نظراتی که در چارچوب رویکرد اقتصاد سیاسی و با انتقادهای اقتصادی و تاریخی به فلسفه سیاسی ارائه شده است. در زمینه نظراتی که از منظر فلسفه سیاسی لیبرال موضوع عدالت را در نظریات برنامه ریزی شهری مورد بررسی قرار داده‌اند؛ غالب این نظریات در چارچوب عقلانیت ارتباطی و اخلاق گفت‌مانی هابرماس قابل بررسی هستند و این رویکرد فکری بنیان نظری بسیاری از کسانی بوده که به دنبال ایجاد شهر عادلانه‌تر بوده‌اند. این نظرات در دهه‌های ۸۰، ۷۰ و ۹۰ میلادی در برنامه ریزی بسط و گسترش یافته و تحت عناوینی مانند برنامه‌ریزی برای مناظره^۳ (هیلی، ۱۹۹۲)، برنامه‌ریزی ارتباطی^۴ (فارستر، ۱۹۸۵، ۱۹۸۹، ۱۹۹۳)، برنامه‌ریزی همکارانه^۵ (فارستر، ۱۹۹۹ و هیلی، ۱۹۹۷، ۲۰۰۳)، مطرح شده که عدالت اجتماعی و شهری را از جهت دیگری دنبال می‌کنند.

اما در زمینه نظراتی که در قالب رویکرد اقتصاد سیاسی به موضوع عدالت در برنامه‌ریزی پرداخته‌اند؛ دیدگاه‌ها و انشعابات متفاوتی وجود دارد که در دو طیف فکری قابل جمع بندی هستند.

یک طیف با تحلیل‌های مارکسیستی تغییرات در وضعیت شهری (سرمایه‌داری و نئولیبرالی و...) را برای عدالت ضروری می‌دانند و توسعه فضایی نابرابر را به عنوان رکن اصلی عملکرد سرمایه‌داری شناسایی می‌کنند. در این زمینه هاروی بر این باور است که بدون ارائه گزینه‌های جایگزین نظم اقتصادی (سرمایه‌داری) موجود نمی‌توان به تغییرات مبتنی بر عدالت در شهر خوش بین بود. هاروی این طور استدلال می‌کند که «لازم است که مجموع حقوق و آزادی‌هایی که اکنون در اختیار ماست و فرایندهای اجتماعی‌ای که آن حقوق و آزادی‌ها در آن جای دارند در تمام سطوح به چالش کشیده شوند. آن‌ها تولید کننده شهرهایی هستند که به وسیله نابرابری، از خود بیگانگی و نا عدالتی آسیب دیده و زخم خورده‌اند» (هاروی، ۱۳۹۲: ۸۴).

با این وجود در دهه‌های اخیر تحت تأثیر معرفت‌شناسی پسامدرن، رویکرد برخی از برنامه ریزان/شهر سازان در چارچوب اقتصاد سیاسی، تحول پیدا کرده است. این نظرات که در شرایط ساخت یابی مجدد نئولیبرال و گسترش روز افزون آن، ارائه شده؛ رویکردی تغییر شکل یافته‌ای از تحلیل‌های اقتصاد سیاسی است. در این چارچوب مفهوم عدالت از قطعیت‌ها در زمینه اندیشه عدالت در شهر فاصله گرفته و تحت معرفت‌شناسی پسامدرن متحول شده و شکل دورگه‌ای از تفکرات دموکراتیک - سوسیالیستی پیدا کرده است. سوگا در این زمینه اشاره می‌کند که سرمایه‌داری صرف یا سوسیالیسم صرف، تنها گزینه‌های موجود نیستند و این مباحثه می‌تواند هم مبتنی بر استفاده از این و هم آن باشد.

بنابراین موضوع عدالت و عدالت فضایی توسط این اندیشمندان (به عنوان تحلیل گران شهری خوش‌بین) در مباحث برنامه‌ریزی شهری از دهه آخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم به یکی از موضوعات اصلی تبدیل شده و مورد توجه جدی قرار گرفته است. این نظرات به جای جستجو برای بدیل‌های نظام سرمایه‌داری و ارائه الگوهای جدید از سازمان‌یابی جایگزین نظام بازار، به

۱. The Transactive Style of Planning

۲. The Just City

۳. Planning through debate

۴. Communicative Planning

5. Collaborative Planning

دنبال دستیابی به آینده‌ای بهتر و راهبردهای امکان‌پذیر در درون نظام حاکم موجود هستند و می‌کوشند در این چارچوب نظریه و عمل برنامه‌ریزی را به سمت عدالت در شهر سوق دهند.

در این راستا است که سوزان فاینشتاین در قالب رویکرد شهر عدالت محور به دنبال دست‌یابی به کیفیت بهتر زندگی انسانی در بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری جهانی است و تغییر شهری را نیازمند راهکارهایی می‌داند که هم مطلوب و هم امکان‌پذیر باشد (Fainstein, 2000, 2005, 2009, 2010). سوچا نیز هدف اندیشه خود را به حداکثر رساندن امکانات (احتمالات) برای یک سوسیالیسم دموکراتیک و منعطف در درون جوامع سرمایه‌داری موجود قلمداد می‌کند (Soja, 2003: 271). بر این اساس اندیشه‌های فکری در زمینه مباحث عدالت در نظریه‌های شهر و برنامه‌ریزی شهری به صورت دسته‌بندی زیر ارائه شده و معیارهای آن‌ها در ارتباط با عدالت فضایی استخراج شده است.

جدول ۱. معیارهای عدالت فضایی مستخرج از اندیشه‌های فکری

لیبرال	اقتصاد سیاسی	پسامدرن و رویکردهای تغییر یافته اقتصاد سیاسی
اندیشمندان:	اندیشمندان:	اندیشمندان:
جان راولز، آمارتیا سن، مارتا نوزبام، یورگن هابرماس، جان فریدمن، جان فارستر و دیگران (برنامه ریزی ارتباطی)	هانری له‌فور، دیوید هاروی، مصطفی دیکسی، اندیشمندان عدالت محیط زیستی، پل دیویدوف، اندیشمندان برنامه‌ریزی عدالت خواه	ماریون یانگ، سوزان فاینشتاین، ادوارد سوچا، لئونی ساندرکاک، ارون ایفتاچل
معیارها:	معیارها:	معیارها:
آزادی، برابری فرصت‌ها، تفاوت، مشارکت، دسترسی برابر، توافق، همه شمولی	نیاز، شرکت در منفعت عمومی، استحقاق، حق تفاوت، همه شمولی، برابری فرصت‌ها، مشارکت، نفی حاشیه‌ای شدن، نفی محروم سازی، دسترسی برابر	تفاوت، نفی محروم سازی، تنوع، همه شمولی، برابری فرصت‌ها، مشارکت، به رسمیت شناسی

صورت بندی جدید از مفهوم گفتمان عدالت فضایی

فضا در طی دهه‌های اخیر به یکی از مقولات اساسی در تحلیل‌های شهری تبدیل شده و بیش از گذشته سیاسی و اجتماعی شده است. به طوری که در اثر فرایند شهرنشینی و جهانی شدن، مفاهیم فضا- زمان به عنوان یک اندیشه اجتماعی دچار تحولات گسترده‌ای شده است. اندیشمندان از این تحولات به عنوان «چرخش فضایی» یاد می‌کنند که علوم اجتماعی و مسائل فضا را به ویژه از دهه ۱۹۸۰ تحت تأثیر قرار داده و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. به طوری که این تغییرات و توجهات از مرزهای دانش جغرافیا فراتر رفته است. ارائه نظرات تازه و متفاوت در زمینه فضا به ویژه در آثار میشل فوکو و هانری له‌فور در این چرخش و شکل‌گیری انگاشتی نو از فضا بسیار تأثیر گذار بوده است.

میشل فوکو عنوان می‌کند که عصر کنونی شاید عصر فضا باشد. له‌فور فضا را وسیله و ابزار مبارزه‌ی اجتماعی می‌پندارد. له‌فور حتی کمون پاریس ۱۸۷۱ م را به عنوان یک «انقلاب فضایی» بی‌نظر ستوده و آن را «تنها تحقق شهر گرایی انقلابی تا امروز» می‌نامید (مریفلد، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

فوکو نظریه عام فضا یا قدرت طرح نکرد. با این حال طرح معروف او از پیدایش «جامعه انضباطی» از بطن تعدادی از حرف و فعالیت‌های همبسته در سده نوزدهم فرصتی را برای کاوش در استفاده او از مفهوم قدرت/ دانش و نیز اهمیت بعد فضایی در فهم او از روابط اجتماعی فراهم می‌آورد (ژلنیتس، ۱۳۹۶: ۲۵۷). فوکو اذعان می‌کند که دل‌مشغولی خاصی به مکان دارد، زیرا از طریق فضا است که او روابط بین قدرت و دانش را تشخیص می‌دهد (هلیبر، ۱۳۸۸: ۷۳).

له‌فور نظریه‌اش در باره فضا را با یک مفهوم رابطه‌ای از فضا و زمان آغاز می‌کند. وی این دو را به سان فرآورده‌های اجتماعی می‌بیند که هم پیامد تولید جامعه‌اند و هم پیش‌شرط تولید جامعه (اشمید، ۱۳۹۳: ۱۵۴). به بیان دیگر فضا و کنش گران اجتماعی از نظر له‌فور دارای یک رابطه دیالکتیکی هستند که در این رابطه فضا نه تنها به واسطه روابط اجتماعی تداوم می‌یابد بلکه روابط

اجتماعی را تولید می‌کند و خود نیز به واسطه روابط اجتماعی تولید می‌شود. له‌فور مفهوم فضا را در کانون نظریه‌های اجتماعی و سیاسی معاصر قرار داده است.

نکته اصلی نظریه له‌فور این است که تولید فضا را می‌توان به سه بعد از لحاظ دیالکتیکی در هم تنیده، تقسیم کرد. به بیان دیگر تولید فضا را با یک چارچوب معرفت‌شناسانه به نام «دسته فضایی» شامل بازنمودهای فضا، فضای باز نمودی و عمل‌های فضایی تبیین می‌کند (مریفلد، ۱۳۹۴: ۲۱۸-۲۲۰).

الف) بازنمودهای فضا به فضای به صورت مفهوم درآورده شده، به فضای ساخته شده به وسیله متخصصان و فن‌سالاران، مربوط می‌شود. این فضا متشکل است از نشانه‌های اسرارآمیز مختلف، زبان نامفهوم، رمزگذاری‌ها و بازنمودهای عینیت یافته که این عاملان و بازیگران از آن‌ها استفاده و آن‌ها را تولید می‌کنند. له‌فور می‌گوید که این همیشه فضایی است که پنداشته^۱ می‌شود و همواره ایدئولوژی، قدرت و دانش در این باز نمود جای گرفته‌اند.

ب) فضای باز نمودی مستقیماً فضای زیسته^۲، فضای تجربه روزمره است. فضایی است که از طریق نمادها و صور خیال «ساکنانش» و «استفاده‌کنندگان» تجربه می‌شود و «روی فضای فیزیکی را می‌پوشاند و از ابژه‌هایش استفاده نمادین می‌برد».

ج) عمل‌های فضایی عمل‌هایی هستند که له‌فور می‌گوید فضاهای جامعه را پنهان می‌کنند، آن‌ها در یک تعامل دیالکتیکی آن را طرح و پیش‌انگاری می‌کنند. عمل‌های فضایی را می‌توان با «رمزگشایی» فضا فاش ساخت و آن‌ها شباهت و قرابت نزدیکی با فضای دریافته^۳ با دریافت مردم از جهان، از جهان‌شان، به خصوص در مورد جهان روزمره‌شان و فضای آن دارند. عمل‌های فضایی واقعیت روزمره و واقعیت عام‌تر اجتماعی و شهری را می‌سازند و شامل مسیرها و شبکه‌ها و الگوهای تعاملی هستند که مکان‌های اختصاص داده شده برای کار، بازی و اوقات فراغت را به هم پیوند می‌زنند. از نظر له‌فور این سه وجه تولید فضا، یگانگی دیالکتیکی متضادی را تشکیل می‌دهند.

سوجا در تحلیل‌هایش در زمینه تولید و باز تولید فضا و عدالت فضایی از نظرات فوکو و له‌فور الهام گرفته است. سوجا در یک مصاحبه در سال ۲۰۱۱ عنوان می‌کند که در نوشته‌های له‌فور یک دیدگاه فضایی در سال ۱۹۶۸ وجود داشت که نقطه کلیدی شروع کار من در زمینه عدالت فضایی بوده است (Soja et al, 2011). به علاوه در زمینه تولید و باز تولید فضا، نظرات سوجا، برداشتی فوکویی از موضوع را نیز ارائه می‌دهد. بدین معنی که عوامل موثر در هر تولیدی خودشان تحت تأثیر آن فرایند تولیدی که ایجاد کرده‌اند تغییر خواهند کرد. البته اتکای مباحث سوجا به نظرات فوکو و له‌فور یک اقتباس تقلید گونه نیست بلکه بسط خلاقانه و رو به جلو در زمینه فضا و عدالت فضایی است.

بر این اساس تحلیل سوجا از فضا و عدالت فضایی نیز بر مفهومی از دیالکتیک اجتماعی - فضایی استوار است. بدین معنی که فضا نه تنها نتیجه کنش و روابط اجتماعی است بلکه نیروهای فضایی (شهری) نیز خود بر فرآیندها و روابط اجتماعی تأثیرگذارند و آن‌ها را تولید و یا تغییر می‌دهند. سوجا در تحلیلش از فضا، آن را در کانون زندگی اجتماعی قرار می‌دهد.

سوجا عنوان می‌کند که «من دیالکتیک اجتماعی - فضایی را در اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان پاسخی به شکست مارکسیست و برخی از جغرافی‌دانان فمینیست نوشتم تا از تحلیل‌های آن‌ها از این که چگونه نیروهای اجتماعی (انباشت سرمایه داری، قدرت مردسالاری) فرم فضایی را شکل می‌دهد، فراتر روم و به دنبال آن چیزی باشم که له‌فور و چند تن از افرادی که جغرافی‌دان نیستند ما را به انجام آن ترغیب می‌کردند و نیز برای جستجوی این که چگونه نیروهای فضایی (شهری)، فرآیندهای اجتماعی را شکل می‌دهند و چگونه جغرافیایی که ما آن را ایجاد کرده‌ایم، بر شکل‌گیری روابط اجتماعی و آگاهی طبقاتی ما تأثیر متقابل می‌گذارد. این موضوع در آن زمان غیر قابل قبول بود، چنانچه نوشته‌های پیشین له‌فور، فوکو، جین جیکوبز و دیگران که بیان‌کننده فضائیت^۴ بود نیز غیر قابل قبول شمرده می‌شدند.» (Soja, 2011: 100).

از نظر سوجا عدالت فضایی به عنوان جانشین یا جایگزینی برای عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی یا شکل‌های دیگر عدالت به شمار نمی‌رود، بلکه روشی برای نگرستن به عدالت از دیدگاه فضایی انتقادی است. از این نظر، همیشه یک بعد فضایی مربوط به عدالت وجود دارد. به علاوه سوجا عنوان می‌کند که عدالت یا ناعدالتی فضایی را می‌توان هم به عنوان یک پیامد (نتیجه) و هم به

1. Conceived
2. Lived
3. Perceived
4. spatially

عنوان یک فرآیند مشاهده کرد. همچنان که الگوهای جغرافیایی یا توزیعی و نیز فرآیندهای ایجاد کننده این پیامدها (نتایج) نیز، به خودی خود عادلانه یا غیرعادلانه هستند. کشف نمونه‌هایی از ناعدالتی فضایی به طور توصیفی آسان است، اما تشخیص و درک فرآیندهای مهمی که موجب ایجاد یک جغرافیای ناعادلانه می‌شوند از سختی بسیار بیشتری برخوردار است (Soja, 2009).

دیکسی نیز بر اساس تبیین دیالکتیکی له‌فور از تولید فضا، مفهوم‌سازی عدالت فضایی را در یک صورت‌بندی دیالکتیکی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این صورت‌بندی وی به «حالت فضایی ناعدالتی^۱» و «ناعدالتی حالت فضایی^۲» اشاره می‌کند. از نظر دیکسی مفهوم اول به این معنی است که عدالت دارای بعد فضایی بوده و بنابراین می‌توان از یک نگرش فضایی برای تشخیص ناعدالتی در فضا با تحلیل الگوهای توزیعی استفاده کرد. از طرف دیگر مفهوم دوم بر ظرفیت ساختارهای موجود در تولید و باز تولید ناعدالتی از طریق فضا دلالت دارد. در مقایسه با مفهوم اول، ناعدالتی حالت فضایی پویاتر و فرایند گرا است. (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۷). خصوصیات صورت‌بندی دیالکتیکی که وی پیشنهاد می‌کند در روابط بین ناعدالتی و حالت فضایی در نظر گرفته می‌شوند و عبارتند از:

الف: تمرکز بر حالت فضایی به عنوان یک فرایند؛ به عنوان یک تولید کننده و باز تولید کننده ساختارهای به نسبت پایدار که در عین حال به وسیله این ساختارها تولید و باز تولید می‌شود.

ب: بازشناسی به هم پیوستگی بی‌عدالتی و حالت فضایی^۳ به عنوان تولید کننده، باز تولید کننده و پشتیبانی کننده یکدیگر از طریق واسطه‌ای ماندگارتر که ایجاد کننده هر دوی آن‌ها می‌شود (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

برای دیکسی نیز همانند له‌فور تبیین مفهوم تولید فضا این امکان را فراهم می‌کند که فضا را به عنوان یک واقعیت اجتماعی به منظور تفکر انتقادی مدل سازد. بر این اساس از نظر دیکسی، مفهوم عدالت فضایی، انتقادی از کنار گذاشتن، تسلط و سرکوب سیستماتیک است؛ انتقادی که هدف آن ترویج حساسیت‌های جدیدی است که به اقدامات انجام گرفته علیه بی‌عدالتی‌های موجود در فضا و پویایی‌های فضایی^۴، جان می‌بخشد. از نظر وی هدف این انتقاد، تفسیر یک گفتمان ایدئولوژیکی درباره (بی) عدالتی حالت فضایی^۵ است؛ گفتمانی که متأثر از دو مفهوم حق حضور در شهر و حق متفاوت/ مقاوم بودن^۶ است (دیکسی، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۲۹).

بر اساس نظر سوجا عدالت فضایی نباید به نوع دیگری از عدالت اجتماعی یا یکی از ویژگی‌ها و جنبه‌های زیادی که می‌توان آن‌ها را بر اساس اهمیت ذاتی آن‌ها مورد مقایسه قرار داد، کاهش یابد. وی عنوان می‌کند که قصد من از به کار بردن عبارت «در جستجوی عدالت فضایی^۷»، رقابت کردن با سایر اصطلاحات پیشنهادی و موجود نیست، بلکه قصد من کاربردی کردن آن از طریق فضا‌مندی انتقادی عدالت^۸ به عنوان یک مفهوم و ایجاد تفکری جدید است که در آن فضا‌مندی عدالت فقط یک بعد مادی توصیفی نیست، بلکه به خودی خود یک نیروی تولید کننده، روشنگر و علی خواهد بود (Soja, 2010: 630). از نظر سوجا تنها استثنایی که در مورد استفاده مترادف عدالت فضایی وجود دارد؛ مفهوم فضایی «حق به شهر^۹» است که توسط له‌فور ارائه شده است. به نظر وی این دو مفهوم آن قدر همگرا هستند که وی عنوان عبارت عدالت فضایی را به «در جستجوی عدالت فضایی» تغییر داده تا بتواند تشابه واقعی «در جستجوی عدالت فضایی» و «کشمکش حق به شهر» را انعکاس دهد (Soja, 2010: 630). (Soja et al, 2011). در مبحث حق حضور در شهر، له‌فور از حق به زندگی شهری حرف می‌زند. بنابراین موضوع چارچوب فضایی پیدا می‌کند. از نظر دیکسی نیز در مطالبه حق به شهر، مفهوم عدالت فضایی ممکن است به عنوان یک گفتمان بسیج کننده عمل کند و این کار را از طریق ترویج حساسیت فضایی نسبت به ناعدالتی و ترویج فرهنگ فضایی برای مقابله علیه آن انجام دهد.

1. spatiality of injustice
2. injustice of spatiality
3. Recognizing The Interrelatedness of Injustice and Spatiality
4. Spatial Dynamics
5. Spatiality of (In)Justice
6. Right to Difference/ Resist
7. Seeking Spatial Justice (Ssj)
8. Critical Spatialization of Justice
9. Right to The City (Rttc)

دیكسی کاربردهای حقیقی مفهوم عدالت فضایی را در دو دور نمای سازنده متقابل می‌بیند: نخست، عدالت فضایی ممکن است فراهم آورنده ابزاری مفهومی باشد که بتوان به آن محتوایی هنجاری داد تا تولید واقعی فضای شهری را هدایت کند. دوم، توسعه و به‌کارگیری نامسجم عدالت فضایی ممکن است سیاست‌های بخش را که خواهان مواجهه با پویایی‌های فضایی است، تحت تأثیر قرار دهد. این پویایی‌های فضایی تولید کننده و باز تولید کننده اشکال گوناگون بی‌عدالتی هستند (دیكسی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

طراحی الگو تحلیل شهر تهران از منظر گفتمان عدالت فضایی

در این پژوهش بر پایه نظرات فوکو و له‌فور در زمینه فضا و تعریف و صورت بندی دیالکتیکی مفهوم عدالت فضایی از نظر سوگا و دیكسی، چارچوبی برای تحلیل گفتمان عدالت فضایی در شهر تهران ارائه شده است. نظریه‌پردازان حوزه برنامه‌ریزی از جمله جان فارستر، پسی هیلی و جین هیلیر عقیده دارند که بحث درباره فرایندهای برنامه‌ریزی بدون در نظر گرفتن ساختارها و راهبردهای قدرتی که در شالوده آن نهفته است، بحث کاملی نیست. بنابراین در تحلیل و تبیین گفتمان عدالت فضایی تحلیل سیاست‌ها و نهادهای موجود که منجر به خلق نا عدالتی در فضای شهری می‌شوند اهمیت زیادی دارند. چنین رویکردی همان‌طور که دیكسی نیز عنوان می‌کند به ما کمک می‌کند تا فرایندهای پویای اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی را کشف کنیم و ببینیم آیا آن‌ها به روشی کار می‌کنند که تسلط و سرکوب را که ناعادلانه در نظر گرفته می‌شوند، تولید و باز تولید کنند.

از سوی دیگر همان‌طور که برخی از نظریه‌پردازان عدالت شهری مانند فاینشتاین بیان می‌کند در نظریات جدید عدالت در برنامه‌ریزی، فرایند و نتیجه برنامه‌ریزی از هم جدا نیستند. از نظر نیز دیكسی شکل و فرایند از همدیگر تفکیک ناپذیرند. سوگا عنوان می‌کند که عدالت یا ناعدالتی فضایی را می‌توان هم به عنوان یک پیامد (نتیجه) و هم به عنوان یک فرآیند مورد مشاهده قرار داد. بنابراین برنامه‌ریزی برای عدالت فضایی نیز با هر دو مورد فرایندها و برآیندهای (نتایج) برنامه‌ریزی سر و کار دارد. بر این اساس در گفتمان عدالت فضایی، هم شناخت سیاست‌هایی که برای تغییر دادن فضای شهری اجرایی می‌شوند و هم سیاست‌هایی که برای تأثیر گذاشتن بر فرایندهای اجتماعی در شهر جریان دارند دارای اهمیت است. بر این اساس در این پژوهش، الگوی مد نظر برای تحلیل شهر تهران در قالب صورت‌بندی دیالکتیکی از مفهوم سازی گفتمان عدالت فضایی مبتنی بر دو حالت «عدالت/ ناعدالتی حالت فضایی» و «حالت فضایی ناعدالتی/ عدالت» مورد بررسی قرار گرفته است.

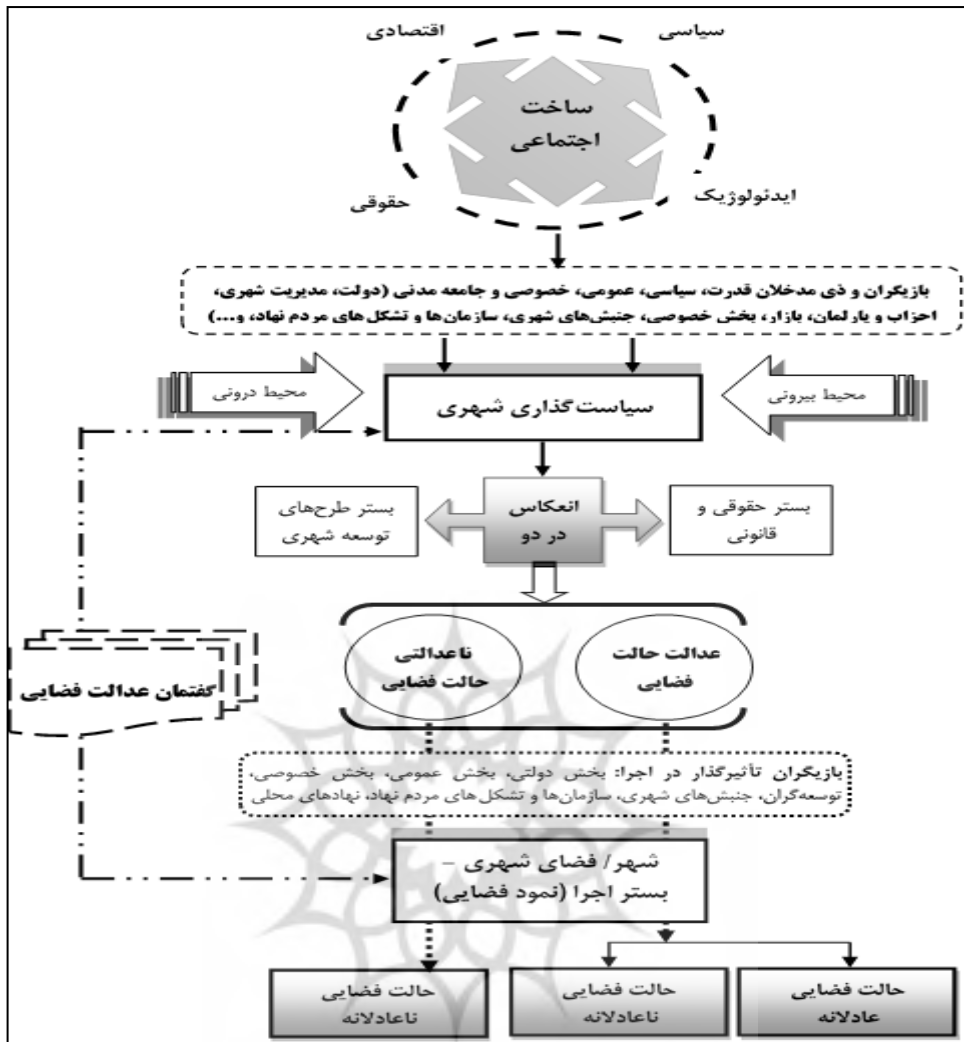
در چارچوب مفهوم نخست که بر ظرفیت ساختارها، قوانین و نهادهای موجود در تولید و باز تولید ناعدالتی از طریق ابزار فضا دلالت دارد؛ سیاست‌گذاری مدیریت شهری به عنوان نمونه‌ای از این ساختارها در نظر گرفته شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. مفهوم دوم نیز بیانگر این است که عدالت دارای بعد فضایی بوده و بنابراین می‌توان با تحلیل الگوهای توزیعی به تشخیص عدالت/ ناعدالتی در فضا پی برد. در این رابطه برخی مصادیق در زمینه نتایج سیاست‌گذاری در عرصه اجرا و فضای شهری مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است.

سیاست‌گذاری از ایدئولوژی، اندیشه و افکار بازیگران قدرت در بستر شرایط محیطی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ناشی می‌شود و تأثیر و تأثر آن با تولید و باز تولید فضا به صورت تعاملی و دو طرفه است. بنابراین به عنوان یکی از بسترهای مهم تولید فضا و عرصه مهمی برای اجرای عدالت و از جمله عدالت فضایی به شمار می‌رود. در این رابطه جین هیلیر اشاره می‌کند که عرصه سیاسی - از جمله سیاست‌سازی برای برنامه شهری - میدان و حیطة مهمی برای اجرای عدالت کارآیی^۱ است. نکته مهم این است که نه تنها منصفانه بودن نتایج تضمین گردد بلکه شیوه‌های نیل به این نتایج نیز برای همه کسانی که از آن‌ها متأثر می‌شوند عادلانه باشد (هیلیر، ۱۳۸۸: ۹۳).

سیاست‌گذاری دامنه‌ای وسیع دارد و قوانین و مقررات، بخشنامه‌ها و طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری را در بر می‌گیرد. زمانی که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ناعادلانه باشند منجر به نتایج ناعادلانه در فضای شهری خواهند شد. در مجموع سیاست‌گذاری توسعه شهری به مفهوم تدوین چارچوب‌ها و اهرم‌های اجرایی و قانونی است که به طور مشخص می‌توان به موارد زیر به عنوان مصادیق سیاست‌گذاری مدیریت شهری (شهرداری) در شهر تهران اشاره کرد.

- طرح‌های توسعه شهری مانند طرح ساختاری- راهبردی (جامع) و طرح‌های تفصیلی؛
- مصوبات شورای عالی شهرداری و معماری ایران در مورد شهر تهران؛
- مصوبات شورای شهر تهران؛
- دستورالعمل‌ها و برخی تصمیم‌گیری‌های مدیریتی با توجه به شرایط خاص در قالب بخشنامه و...
این موارد در دو چارچوب حقوقی و قانونی (قوانین، مصوبات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و...) و چارچوب طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری قابل جمع‌بندی هستند. بعد از این سطوح، سطح اجرا قرار دارد که نتایج سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در عرصه میدانی و فضای شهری به بار می‌نشیند.





شکل ۱. الگوی تحلیلی شهر تهران از منظر گفتمان عدالت فضایی

بر این اساس برای الگوی پژوهش، دو بعد اصلی «برنامه‌ریزی (طرح‌های توسعه شهری)» و «حقوقی- قانونی» و یک بعد مکمل «اجرا» در نظر گرفته شده است. در دو بعد نخست با توجه به موضوع پژوهش و همچنین این که طرح جامع شهر تهران (مصوب سال ۱۳۸۶) سند سیاست‌گذاری توسعه شهری است، ارزیابی این سند در چارچوب گفتمان عدالت فضایی به عنوان مسیر پژوهش انتخاب شده است. طرح جامع به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای شیوهی سیاست‌گذاری، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و به مثابه‌ی سند راهبردی هر شهر محسوب می‌شود. بررسی بعد دیگر، یعنی بعد «حقوقی- قانونی» در این پژوهش مد نظر نبوده و می‌تواند در قالب پژوهش دیگری انجام گیرد. در سطح بعدی (بعد مکمل) که ناظر بر نمود عینی مورد انتظار از سیاست‌گذاری‌های مدیریت شهری می‌باشد؛ سنجش برخی از مصداق‌های آن در عرصه میدانی و فضای شهری که می‌تواند نتیجه ابعاد اصلی را به صورت ملموس و عینی ارائه دهد، در نظر گرفته شده است.

روشن پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش از نوع روش ترکیبی متوالی می‌باشد. به طوری که رهیافت کمی به دنبال رهیافت کیفی و به عنوان مکمل طراحی و اجرا شده است. در واقع هدف از این پژوهش اکتشافی^۱، شروع مطالعه با مرحله کیفی و ادامه با مرحله کمی است. با توجه به ابعاد در نظر گرفته شده برای پژوهش؛ سنجش بعد برنامه‌ریزی یا ارزیابی طرح جامع مصوب سال ۱۳۸۶، به عنوان سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری بر اساس رویکرد کیفی انجام شده است. تحلیل داده‌ها در این بخش با استفاده از روش تحلیل تم^۲ از طریق احصا و تبیین موضوعات و مقولات مورد توجه در سند طرح جامع در ارتباط با معیارهای گفتمان عدالت فضایی صورت گرفته است. استخراج شواهد موجود و یا کدگذاری داده‌ها به شیوه خوانش سطر به سطر سند طرح جامع و به دلیل نیاز به تحلیل‌های پیچیده مفهومی، نیاز به قضاوت، تصمیم‌گیری و تحلیل در زمینه برخی داده‌ها و وجود نقشه‌های متعدد و تحلیل‌های مرتبط با آن‌ها در کنار داده‌های متنی، به صورت دستی انجام شده است.

اما در بعد مکمل که ناظر بر نمود عینی مورد انتظار از سیاست‌گذاری‌های مدیریت شهری می‌باشد؛ سنجش برخی از مصداق‌های آن در عرصه میدانی و فضای شهری که می‌تواند نتیجه ابعاد اصلی را به صورت ملموس و عینی ارائه دهد، بر اساس روش کمی (به عنوان روش مکمل) انجام شده است. تحلیل داده‌ها در این بخش به صورت بررسی و تحلیل ثانویه و تحلیل نتایج آمارها و داده‌های مرکز آمار ایران و شهرداری تهران و همچنین استفاده از داده‌های مکانی و فضایی با بهره‌گیری از قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) به صورت تهیه نقشه‌های توزیع فضایی انجام شده است.

جدول ۲. رهیافت، روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها و جامعه آماری پژوهش

رهیافت	مسئله / سؤال‌های پژوهش	بعد مورد بررسی	گردآوری داده‌ها / روش‌ها	تحلیل داده‌ها	جامعه آماری
ترکیبی (با تأکید اصلی بر روش کیفی)	اکتشافی / تأییدی	بستر طرح‌های توسعه شهری (طرح جامع) بستر اجرا (نمود فضایی)	اسناد (طرح جامع) اسناد، نتایج پژوهش‌ها، نقشه‌ها و آمارهای موجود	تحلیل تم -تحلیل ثانویه -تحلیل فضایی -تحلیل / آمارهای توصیفی	اسناد (طرح‌های توسعه شهری) داده‌ها، آمارها و نقشه‌های موجود و پژوهش‌های انجام شده

یافته‌ها

ابعاد گفتمان عدالت فضایی در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران

در این بخش در قالب الگوی ارائه شده، رابطه بین سیاست‌گذاری، عدالت فضایی و شهر در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به بررسی و واکاوی نظریه‌های مربوط به عدالت / عدالت فضایی شهری در قالب اندیشه‌های فکری متفاوت از جمله لیبرال، اقتصادی سیاسی، پسامدرن و که در مباحث قبلی عنوان شد در این پژوهش، نه معیار «مشارکت، آزادی، همه شمولی، توافق، تنوع، برابری فرصت‌ها، تفاوت، نفی حاشیه‌ای شدن و شفافیت» در زمینه بررسی گفتمان عدالت فضایی در شهر استخراج شده است.

پس از انتخاب معیارهای عدالت فضایی و مؤلفه‌های آن، در قدم بعدی از طریق روش تحلیل تم شواهد موجود یا کدهای مکنون و مشهود در سند اصلی طرح جامع استخراج و تحلیل شده است. در ادامه بر اساس مفهوم معیارها در مبانی نظری و تم‌های به دست آمده در بررسی طرح جامع شهر تهران، شاخص‌هایی ارائه و بر اساس آن نتایج سیاست‌گذاری مدیریت شهری در بستر اجرا یا فضای شهری با توجه به این که ده سال از ابلاغ طرح جامع سپری شده، مورد سنجش قرار گرفته است. به بیان دیگر ما در این پژوهش به داده‌های کمی نیاز داشتیم تا نتایج داده‌های کیفی را در عرصه واقعیت مورد سنجش قرار دهد.

در این مقاله با توجه به حجم بالای مطالب و تحلیل‌های مرتبط با هر کدام از معیارها، به عنوان نمونه شواهد و تم‌های استخراج شده در ارتباط با معیار همه شمولی آورده شده است. معیار همه شمولی در عدالت فضایی به معنای توجه به گروه‌های ذی مدخل، گروه‌های مختلف قومی، نژادی و جنسی مرتبط با برنامه‌های توسعه شهری است. به بیان دیگر دست‌یابی به فراگیری در شهرها با

پذیرش و به رسمیت شناسی تفاوت‌هاست. به طوری که امکان بروز صداها و خواسته‌ها برای گروه‌های متفاوت بدون یکسان‌سازی و یکسان نگری آن‌ها وجود داشته باشد. بنابراین مطالبه حقوق نه تنها برای آن‌هایی که نادیده گرفته شده‌اند بلکه تمام اعضای جامعه را در بر می‌گیرد. توجه به این معیار در برنامه‌های شهری موجب مغایرت‌های اجتماعی کمتر و ارائه فرصت‌های بیشتر برای تحرک اجتماعی در شهر است.

در سند طرح جامع، پنج سیاست پیشنهادی و همچنین برخی نکات مطرح شده در سازمان فضایی و دو طرح و برنامه موضوعی دارای نکاتی هستند که می‌توان از آن‌ها مؤلفه‌ها و ویژگی‌های معیار «همه شمولی» را در زمینه عدالت فضایی استخراج کرد. مهم‌ترین این شواهد به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۳. استخراج شواهد و تم‌های موجود در سند طرح جامع شهر تهران در زمینه گفتمان عدالت فضایی بر اساس معیار «همه شمولی»

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	کدهای شناسایی شده	
		سظوح مختلف سند طرح جامع	معیار عدالت فضایی
به رسمیت شناسی و حمایت از گروه‌های محروم و ضعیف اجتماعی	تعدیل نابرابری‌ها به ویژه در مورد گروه‌های محروم جامعه	تهران؛ شهری روان با رفاه عمومی و زیرساخت‌های مناسب همراه با تعدیل نابرابری‌ها و تأمین عادلانه کلیه حقوق شهروندی	چشم‌اندازهای پیشنهادی
		ساماندهی یکپارچه مجموعه شهری تهران با الگویی چند مرکزی به منظور تمرکززدایی و کاهش وابستگی سکونتگاه‌های پیرامونی به شهر تهران و ایجاد محیطی قابل زندگی برای کلیه ساکنان مجموعه شهری تهران	سیاست‌ها
به رسمیت شناخته شدن حقوق معلولان، جانبازان و افراد پیاده در برنامه‌ها و اقدامات توسعه شهری	ایجاد محیط زندگی مناسب برای کلیه ساکنان مجموعه شهری در سکونتگاه‌های مختلف شهری و روستایی	تأمین امنیت و سلامت در عرصه‌های سکونت با ساماندهی شبکه‌های دسترسی مناسب و حرکت پیاده برای تردد آرام در محلات و بین محلات مسکونی و حرکت معلولان	همه شمولی
		مناسب‌سازی راه‌های شهری و پایانه‌ها برای حرکت دسترسی آسان معلولین جسمی و حرکتی گسترش حرکت پیاده و دوچرخه در پهنه‌های مستعد شهر به ویژه بافت تاریخی شهر	
توجه به حفظ و پایداری مناطق استفاده همگانی و دسترسی عمومی به فضاهای طبیعی	تأکید بر تقدس مادر زمین، وحدت اکولوژیکی، وابستگی متقابل همه گونه‌ها و پرهیز از هرگونه تخریب	ساماندهی و مناسب‌سازی شهر برای حرکت جانبازان و معلولان	طرح‌ها و برنامه‌های موضوعی
		سامانده نظام حرکت پیاده و دوچرخه در شهر	سیاست‌ها
همگانی و دسترسی عمومی به فضاهای طبیعی	مکانیزم‌های لازم برای شناسایی و تشخیص حوزه‌های فضایی - کالبدی مرتبط با منابع عمومی جهت استفاده همگانی	شناسایی حوزه‌های فضایی - کالبدی مرتبط منافع عمومی و تنظیم مکانیزم‌های لازم برای تخصیص این حوزه‌ها به استفاده همگانی و امکان دسترسی عموم به این فضاها از جمله محدوده‌های طبیعی و اکولوژیک موجود در پیرامون و متن شهر تهران	سازمان فضایی پیشنهادی

با توجه به این که معیارهای گفتمان عدالت فضایی به عنوان یک راهنمای نظری برای استخراج مؤلفه‌ها و ابعاد مورد توجه گفتمان عدالت فضایی در سند سیاست‌گذاری شهر تهران مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ در جدول زیر مؤلفه‌ها و مضامین به دست آمده در سند سیاست‌گذاری شهر تهران با مفاهیم و مؤلفه‌های چارچوب نظری در زمینه گفتمان عدالت فضایی مقایسه شده‌اند.

جدول ۴. مقایسه مؤلفه‌ها و مضامین به دست آمده در سند سیاست‌گذاری شهر تهران با مفاهیم و مؤلفه‌های چارچوب نظری گفتمان عدالت فضایی

معیار	مفاهیم و مؤلفه‌های عدالت فضایی بر اساس چارچوب نظری	مؤلفه‌ها و مضامین عدالت فضایی به دست آمده در سند سیاست‌گذاری
تنوع	<ul style="list-style-type: none"> - آمیختگی و تنوع در کاربری‌های شهری - تنوع در ویژگی‌های مسکن در مناطق شهری و ارائه مسکن استطاعت پذیر - آمیختگی و تنوع در ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در شهر - آمیختگی و تنوع در ویژگی‌های اقتصادی (از جمله در زمینه‌های اشتغال) تنوع زیستی زمین و منابع طبیعی و حفاظت از آن 	<ul style="list-style-type: none"> - اختلاط و تنوع در کاربری‌های شهری - حفظ تنوع زیستی و محیطی - پیشنهاد افزایش تنوع اجتماعی و اقتصادی شهری
برابری در فرصت‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - فرصت برابر در استفاده از منافع ارزشمند اجتماعی در فضا - فرصت برابر در منافع قانونی برنامه‌ها، پروژه‌های شهری، منابع و خدمات شهری - فرصت برابر شهروندان در دسترسی به اطلاعات 	<ul style="list-style-type: none"> - توزن در برخورداری مناطق مختلف از کاربری‌ها و خدمات شهری - دسترسی مناسب به فضاهای عمومی در گستره شهری - دسترسی مناسب به حمل و نقل عمومی در سطح شهر
مشارکت	<ul style="list-style-type: none"> - شراکت شهروندان، افراد و گروه‌هایی که از طرح‌های توسعه شهری و سیاست‌گذاری‌های عمومی و شهری تأثیر می‌پذیرند در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری عمومی - حضور و شراکت نمایندگان تجمعات فضایی و اجتماعی مانند اجتماعات محلی و واحدهای همسایگی در زمینه تصمیم‌گیری در برنامه‌های و پروژه‌های محلی - مشارکت شهروندان در فرایند تهیه و تصویب طرح‌های توسعه شهری - مشارکت شهروندان در اجرای و برنامه‌ها و پروژه‌های شهری تأثیر گذار بر مکان زندگی آن‌ها - نهاد سازی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه مکانیزم‌های مشارکتی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری با تأکید بر سطح محله - مشارکت نمایندگان شهری در تهیه سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری - نهاد سازی (مردمی) در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری در سطوح فضایی مختلف
آزادی	<ul style="list-style-type: none"> - امکان اظهار نظر و مخالفت با اجرای برنامه‌های و پروژه‌های شهری و یا آثار و پیامدهای آن از جمله قدرت لغو یا تغییر پهنه بندی شهری و یا لغو برنامه‌های متضاد با منافع اجتماع محلی و شهری - عدم محدودیت و سلطه از سوی گروه‌های صاحب قدرت و نهادهای رسمی در استفاده از فضا و منابع شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه مکانیزم لغو برنامه‌های متضاد با منافع اجتماع محلی و شهروندان
نفی حاشیه‌ای شدن	<ul style="list-style-type: none"> - وجود سطح حداقلی و متعادل از نظر دسترسی به منابع و امکانات شهری (روند محرومیت و عدم برخورداری نباید منجر به تله فقر و نابرابری گردد). - نبود استعمارگری و کاهش جدایی‌گزینی نژادی، قومی، مذهبی و طبقه‌ای - عدم اجبار اجتماعات محلی فقیر به پذیرش فعالیت‌های تهدید کننده محیط زندگی‌شان به خاطر فراهم شدن فرصت‌های کار بیشتر - ضرورت پیوند توانمندی‌های افراد و گروه‌هایی که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری کنار گذاشته شده‌اند به آن‌هایی که در متن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی وجود دارند. - مقابله با حاشیه رانی نظامند گروه‌های فقیر و کم درآمد - طبقه بندی نشدن اجباری به وسیله گروه‌های قدرت - اجتناب از اعیان سازی شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به کاهش کیفیت های فضایی نامتوازن (از جنبه فقر شهری یا تاب آوری) - کاهش گسست و جدایی‌گزینی فضایی بین نواحی شهری / سرزمینی - کاهش به حاشیه رانی گروه‌های اجتماعی
توافق	<ul style="list-style-type: none"> - وفاق همگانی ذی‌نفعان، ذی‌نفوذان و کنش‌گران بر سر ارائه و تصویب برنامه‌ها و طرح‌های شهری - وفاق همگانی ذی‌نفعان، ذی‌نفوذان و کنش‌گران در زمینه اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهری - وجود مکانیزم‌ها و سازوکارهای ایجاد توافق در زمینه تهیه و اجرای برنامه‌های شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه ساز و کارهای موافقت عمومی در خصوص اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های شهری
همه شمولی	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به همه گروه‌های ذی‌مدخل، گروه‌های مختلف قومی، نژادی و جنسی مرتبط با برنامه‌های توسعه شهری از جمله کسب و کارهای خرد و کوچک محلی و کودکان، زنان، سالمندان، معلولان - امکان بروز صداها و خواسته‌های گروه‌های متفاوت بدون یکسان سازی آن‌ها - توجه به عدالت جنسیتی - به رسمیت شناسی نهادهای مبتنی بر اجتماعات محلی - حفظ و پایداری پهنه‌های شکننده طبیعی و اکولوژیک 	<ul style="list-style-type: none"> - حمایت از گروه‌های محروم و ضعیف اجتماعی - به رسمیت شناخته شدن حقوق معلولان، جانبازان و افراد پیاده در برنامه‌های و اقدامات توسعه شهری - توجه به حفظ و پایداری مناطق شکننده طبیعی و اکولوژیک - استفاده همگانی و دسترسی عمومی به فضاهای عمومی و طبیعی
شفافیت شهری	<ul style="list-style-type: none"> - اطلاع کافی همه کنش‌گران و ذینفعان از قوانین، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری 	<ul style="list-style-type: none"> - دسترسی همگانی به اطلاعات طرح‌های توسعه شهری - شفافیت در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری

معیار	مفاهیم و مؤلفه‌های عدالت فضایی بر اساس چارچوب نظری	مؤلفه‌ها و مضامین عدالت فضایی به دست آمده در سند سیاست گذاری
	<p>- دسترسی همگانی به اطلاعات طرح‌های توسعه شهری</p> <p>- ارائه اطلاعات کافی به نهادها، اجتماع محلی و شهروندان در خصوص منافع و مضرات اجرای برنامه‌های توسعه شهری یا هر اقدام جایگزین</p>	
تفاوت	<p>- توجه و پذیرش شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی</p> <p>- متفاوت گروه‌های اجتماعی و محدوده‌های شهری در هنگام سیاست گذاری و تصمیم گیری برای ارائه برنامه‌های توسعه، توزیع خدمات شهری و سرمایه گذاری</p> <p>- ارائه ضوابط و سیاست‌های پیشنهادی متفاوت و متناسب با وضعیت و ظرفیت هر مکان و محدوده جغرافیایی</p>	<p>- پذیرش و توجه به هویت، ظرفیت و عملکرد متفاوت مناطق و محلات شهری</p>

بحث

نمود عینی نتایج سیاست‌گذاری مدیریت شهری در شهر تهران در چارچوب گفتمان عدالت فضایی

در این بخش بر اساس مؤلفه‌ها و مفاهیم گفتمان عدالت فضایی که از سند سیاست‌گذاری شهر تهران استخراج گردیده، شاخص‌هایی برای سنجش اثرات این سند سیاست‌گذاری در فضای شهر تهران ارائه شده است. در واقع شاخص‌های مورد بررسی بر اساس احکام پیشنهادی طرح جامع شهر تهران در زمینه عدالت فضایی به صورت هدفمند انتخاب و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. با توجه به این که حدود بیست شاخص در رابطه با هر کدام از معیارهای شناسایی شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ در این مقاله به عنوان نمونه نتایج شاخص‌های «اجتناب از خصوصی‌سازی فضاهای عمومی»، «میزان به رسمیت شناخته شدن نیازهای کودکان، زنان، سالمندان، معلولین و گروه‌های نیازمند حمایت ویژه در ارائه خدمات شهری»، «پراکندگی و تنوع گروه‌های درآمدی در شهر» و «تنوع در ویژگی‌های مسکن» آورده شده است. لازم به توضیح است شاخص اول و دوم در قالب معیار «همه شمولی» و شاخص‌های سوم و چهارم در رابطه با معیار «تنوع» قابل طرح هستند.

• اجتناب از خصوصی‌سازی فضاهای عمومی

فضاهای عمومی شهری مکان رویدادهای فرهنگی، تعاملات اجتماعی و ملاقات شهروندان هستند. بنابراین در برقراری عدالت فضایی و اجتماعی با توجه به امکان عرضه فضای در دسترس برای عموم شهروندان نقش اساسی دارند. شهرهای عدالت محور شهرهایی هستند که امکان دسترسی شهروندان به این فضاها را تسهیل می‌کنند. به طوری که شهروندانی که استطاعت رفتن به برخی از مکان‌های عمومی دیگر (مانند رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها و...) را ندارند، می‌توانند از این فضاهای عمومی استفاده کنند و این فضاها امکان حضور و همه شمولی در شهر را برای همه شهروندان از جمله افراد کم درآمد فراهم می‌کنند.

ارائه فضاهای عمومی با کیفیت با در نظر گرفتن نیازهای زنان، مردان، دختران، پسران و کودکان و بهبود دسترسی آن‌ها برای همگان، بستر لازم را برای زندگی پر جنب و جوش و فراگیر شهری فراهم می‌کند. در شهر تهران نمونه‌های زیادی از زمین‌هایی با کاربری عمومی وجود دارد که در سال‌های گذشته به کاربری تجاری و خصوصی تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی تنها افراد خاصی امکان استفاده از این فضاها را دارند و عملاً طرد اجتماعی و حذف گروه‌های کم درآمد در این فضاهای شهری اتفاق می‌افتد. تغییرات صورت گرفته در منطقه ۲۲، تغییر کاربری برای ایجاد مجتمع تجاری مگا مال اکباتان، ساخت مجتمع مسکونی ویژه جمشیدیه بر روی ۲,۲ هکتار از باغات جنوب پارک جمشیدیه (بر اساس اعلام وزارت راه و شهرسازی در سال ۱۳۹۵) و بسیاری موارد دیگر نمونه‌هایی از کاهش سطح فضاهای عمومی به نفع خصوصی سازی و یا تجاری سازی بوده است. در ادامه تغییرات فضایی در منطقه ۲۲ به عنوان نمونه‌ای از اختصاص فضا به برنامه‌های مغایر با منافع عمومی، مورد بررسی قرار گرفته است.

در طرح جامع نقش ویژه‌ای برای منطقه ۲۲ به عنوان مرکز گردشگری و خدمات مجموعه شهری تهران دیده شده و محدودیت گسترش سکونت در آن به عنوان عرصه تمایز کالبدی شهر تهران از پهنه شهری کرج، از مبانی ایده توسعه طرح جامع بوده است. منطقه ۲۲ بر اساس راهبردهای طرح جامع می‌بایست عمدتاً به فعالیت‌های بزرگ مقیاس فرا شهری و غیرمسکونی اختصاص پیدا

می‌کرد. اما با تغییر ضوابط ساخت و ساز این منطقه در طرح تفصیلی، حجم بسیار زیادی از ساخت و ساز مسکونی در قالب بلند مرتبه سازی در این منطقه شکل گرفته است. در طرح مجموعه شهری نیز بر عدم بارگذاری اضافی جمعیت در منطقه ۲۱ و ۲۲ تأکید شده بود.

جدول ۵. مقایسه تغییرات جمعیت منطقه ۲۲ با شهر تهران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

محدوده	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	نرخ رشد ۸۵-۷۵	نرخ رشد ۹۰-۸۵	نرخ رشد ۹۵-۹۰	نرخ رشد
منطقه ۲۲	۵۲۳۵۰	۱۰۸۶۷۴	۱۲۸۸۸۷	۱۷۶۳۴۷	۷,۵۷	۳,۴۷	۶,۴۷	۶,۲۶
شهر تهران	۶۷۰۲۳۵۶	۷۸۰۳۸۸۳	۸۱۵۱۹۷۵	۸۶۹۳۷۰۳	۱,۵۳	۰/۸۷	۱,۳۹	۱,۳۰

منبع: محاسبه بر اساس سرشماری‌های مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

جمعیت منطقه ۲۲ از ۵۲۳۵۰ نفر در سال ۱۳۷۵ به بیش از سه برابر یعنی ۱۷۶۳۴۷ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در این دوره زمانی نرخ رشد جمعیت شهر تهران ۱,۳۰ درصد و نرخ رشد این منطقه ۶,۲۶ درصد بوده است. بر اساس آمار وزارت راه و شهرسازی در سال ۱۳۹۵ حدود ۹۸۰ ساختمان بلندمرتبه در شهر تهران وجود داشته که ۱۹۰ ساختمان معادل ۱۹ درصد ساختمان‌های بلندمرتبه در منطقه ۲۲ احداث شده‌اند.

فضاهای عمومی مانند فضاهای طبیعی و سبز و پارک، زمین‌بازی، پیاده راه و ... که به شکل کالای عمومی به شهر و شهروندان فارغ از میزان درآمدشان خدمات ارائه می‌دهند؛ زمانی که به فضاهای تجاری و مگا مال و به نوعی به یک کالای تجاری تبدیل می‌شوند؛ فرصت‌های توسعه از شهر گرفته می‌شود. رقابت پذیری اقتصادی در شهر تهران موجب شده که مدیریت شهری به رشد (اقتصادی) حتی به بهای از دست رفتن کیفیت زندگی شهروندان ارزش بیشتری بدهد. نتیجه این وضعیت کالایی شدن شهر تهران است. کالایی شدن یعنی این که هر آن چه که در شهر است از فضا تا زمین آن وجهی سوداگرانه پیدا کرده و قابل خرید و فروش می‌شود. به طوری که سایر کارکردهای آن از جمله مباحث اجتماعی، فرهنگی و عدالت شهری تحت‌الشعاع کارکرد اقتصادی آن قرار می‌گیرد.

• میزان به رسمیت شناخته شدن نیازهای کودکان، زنان، سالمندان، معلولان و گروه‌های

نیازمند حمایت ویژه در ارائه خدمات شهری

به رسمیت شناخته شدن کودکان، زنان، سالمندان، معلولان و گروه‌های نیازمند حمایت ویژه در ارائه خدمات شهری از شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی در نظریه‌های مربوط به حق به شهر و عدالت فضایی است. یکی از مواردی که در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته «وجود مبلمان متناسب با توانایی و استفاده گروه‌های سنی و جنسی مختلف و گروه‌های نیازمند حمایت ویژه در سطح شهر تهران از جمله کودکان، زنان، سالمندان و گروه‌های نیازمند حمایت ویژه مانند معلولان و جانبازان» در محل زندگی بوده است و این که تا چه اندازه در ایجاد و توسعه مبلمان شهری در مناطق مختلف شهر تهران به استفاده و نیاز این گروه‌ها توجه شده است؟ نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه ساکنان^۱ در مناطق شهر تهران نشان می‌دهد که تنها ۱۸,۹۵ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند مبلمان متناسب با شرایط گفته شده در مکان زندگی آن‌ها وجود دارد. ۸۱,۰۴ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که متناسب با استفاده و نیاز این گروه‌ها، مبلمان مناسب در محله زندگی آن‌ها وجود ندارد. عدم وجود این خدمات به ترتیب در مناطق ۲۰، ۲۰، ۱۷، ۶، ۱۶، ۲۱، ۴، ۱۲، ۵، ۱۸، ۳ و ۲۲ بالاتر از میانگین شهر تهران بوده است.

^۱ در این بخش از نتایج طرح پژوهشی که توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی با عنوان «ارزیابی تأثیرات اقدامات شهرداری تهران در حوزه معاونت خدمات شهری و محیط زیست بر شاخص‌های عدالت اجتماعی و ارائه راهکارهای بهینه‌سازی» برای مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران انجام شده و نگارندگان نیز به عنوان تیم پژوهش در آن حضور داشته استفاده شده است.

جدول ۶. وجود مبلمان متناسب با توانایی و استفاده گروه‌های سنی - جنسی و گروه‌های نیازمند حمایت ویژه در مناطق شهر تهران

منطقه	بلی (درصد)	خیر (درصد)	منطقه	بلی	خیر (درصد)
۱	۳۲,۸	۶۷,۲	۱۲	۱۳,۳	۸۶,۷
۲	۲۵,۳	۷۴,۷	۱۳	۴۲,۱	۵۷,۹
۳	۱۶	۸۴	۱۴	۲۷,۳	۷۲,۷
۴	۱۱,۶	۸۸,۴	۱۵	24.7	۷۵,۳
۵	۱۳,۳	۸۶,۷	۱۶	۶,۷	۹۳,۳
۶	۶,۱	۹۳,۹	۱۷	۲,۹	۹۷,۱
۷	۳۱,۹	۶۸,۱	۱۸	۱۴,۵	۸۵,۵
۸	۲۲,۴	۷۷,۶	۱۹	۲۲,۶	۷۷,۴
۹	۰	۱۰۰	۲۰	۲,۲	۹۷,۸
۱۰	۲۱,۷	۷۸,۳	۲۱	۸,۷	۹۱,۳
۱۱	۵۴,۳	۴۵,۷	۲۲	۱۶,۷	۸۳,۳
میانگین شهر تهران		۱۸,۹۵		-	۸۱,۰۴

منبع: داده‌های طرح ارزیابی تأثیرات اقدامات شهرداری تهران در حوزه معاونت خدمات شهری بر شاخص‌های عدالت اجتماعی ... ۱۳۹۷

فعالیت بسیار مهم دیگر در این زمینه؛ بررسی مناسب بودن سرویس‌های بهداشتی و آب‌خوری‌های عمومی موجود در معابر برای استفاده کودکان، سالمندان، معلولان و جانبازان و بیماران بوده است. نتایج به دست آمده در سطح شهر تهران نشان می‌دهد که در زمینه کودکان ۷۵,۷۷ درصد، در زمینه سالمندان ۸۰,۱ درصد، در زمینه معلولان و جانبازان ۹۲,۴۹ درصد و در زمینه بیماران ۸۵,۰۲ درصد از پاسخ‌گویان در سطح مناطق شهر تهران عنوان کرده‌اند که در محله آن‌ها امکان استفاده مناسب و متناسب با نیاز این گروه‌ها در استفاده از سرویس‌های بهداشتی و آب‌خوری‌های عمومی موجود در معابر وجود ندارد.

• پراکندگی و تنوع گروه‌های درآمدی در شهر

با توجه به این که دسترسی به داده‌های درآمدی خانوارها در سطح شهر تهران ممکن نبود، در این زمینه گروه‌های عمده شغلی بر اساس داده‌های سرشماری در مناطق شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از نظر سهم گروه‌های عمده شغلی دارای تفاوت‌های معناداری هستند. در این بخش به عنوان نمونه به بررسی گروه‌های متخصصان، قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران و کارگران ساده که می‌تواند پایه تحلیلی مناسبی در این زمینه فراهم کند، پرداخته شده است.

در زمینه گروه شغلی قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران، ۷۴,۶۵ درصد این گروه شغلی در مناطق یک تا هشت (مناطق پهنه شمالی به غیر از منطقه ۲۲) قرار دارند. در زمینه گروه متخصصان نیز ۶۹,۰۱ درصد این گروه شغلی در مناطق یک تا هشت قرار دارند. قرارگیری این دو گروه شغلی در این مناطق به ویژه در مناطق یک تا پنج تفاوت معناداری را با سایر مناطق شهر تهران نشان می‌دهد. اما در زمینه گروه شغلی کارگران ساده، ۶۴,۸۸ درصد این گروه در مناطق نه تا ۲۱ (مناطق پهنه جنوبی شهر تهران) قرار دارند. البته درصد این گروه عمده شغلی در مناطق یک و چهار نیز نسبتاً بالا می‌باشد که نشان از وجود اشتغال کارگری (به ویژه در شغل‌های خدماتی مورد نیاز) در این مناطق دارد.

تنوع اقتصادی جزء اصول پایداری اقتصادی و اجتماعی است. در طرح جامع نیز ایجاد و افزایش این تنوع برای پویایی مناطق مورد تأکید قرار گرفته است. اما بر اساس داده‌های موجود به نظر می‌رسد این تنوع در سطح مناطق کاهش یافته باشد.

جدول ۷. پراکندگی گروه‌های عمده شغلی به تفکیک مناطق در شهر تهران

منطقه	قانون گذاران، ...		متخصصان		کارگران ساده		منطقه	قانون گذاران، ...		متخصصان		کارگران ساده		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	۲۲۷۱	۱۲،۹۷	۲	۷	۳۰۹۴	۸،۰۱	۱۰۳۷	۲	۵۸۶	۱۳	۹	۲۸۰	۳،۱۶	
۲	۲۴۹۶	۱۴،۲۶	۶	۵	۵۰۱۸	۱۲،۹۹	۶۹۸۰	۲	۳،۹۴	۱۴	۵	۱۴۹۱	۳،۸۶	
۳	۱۶۴۹	۹،۴۲	۶	۳	۲۴۶۹	۶،۳۹	۵۶۶۹	۳	۳،۲۰	۱۵	۶	۱۰۴۵	۲،۷۰	
۴	۱۶۰۰	۹،۱۴	۷	۱	۲۸۶۸	۱۰،۰۱	۱۴۹۷	۴	۸،۴۶	۱۶	۰	۵۸۴۵	۱،۵۱	
۵	۲۶۴۴	۱۵،۱۰	۸	۰	۵۹۴۳	۱۵،۳۸	۸۶۹۴	۹	۴،۹۱	۱۷	۹	۴۰۳۷	۱،۰۴	
۶	۹۲۲۳	۵،۲۷	۷	۲	۲۱۵۴	۵،۵۸	۳۳۲۸	۱۸	۱،۸۸	۱۸	۰	۶۲۴۱	۱،۶۲	
۷	۶۹۱۳	۳،۹۵	۴	۴	۲۱۲۷	۵،۵۱	۴۱۱۵	۱۹	۲،۳۲	۱۹	۵	۳۵۲۲	۰،۹۱	
۸	۷۹۴۵	۴،۵۴	۱	۱	۱۹۸۴	۵،۱۴	۵۷۳۹	۲۰	۳،۲۴	۲۰	۶	۱۸۴	۲،۲۳	
۹	۱۷۲۶	۰،۹۹	۰	۰	۵۵۶۳	۱،۴۴	۳۴۰۱	۲۱	۱،۹۲	۲۱	۰	۱،۴۳	۱،۶۵	
۱۰	۴۲۱۵	۲،۴۱	۳	۳	۱۳۵۴	۳،۵۱	۷۴۸۸	۲۲	۴،۲۳	۲۲	۷	۱،۶۷	۱،۵۱	
۱۱	۵۳۲۹	۳،۰۴	۸	۸	۱۴۸۳	۳،۸۴	۶۴۰۴	جمع	۳،۶۲	جمع	۱۷۵	۱۰۰	۲۸۶۳	۱۰۰
۱۲	۳۰۹۳	۱،۷۷	۰	۰	۷۷۵۳	۲۰،۰۱	۸۰۶۵	۴،۵۵	۸۰۶۵	۴۵	۱۰۰	۰	۰	

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ (در این جدول صرفاً گروه‌های شغلی قانون گذاران، متخصصان و کارگران ساده آورده شده است).

• تنوع در ویژگی‌های مسکن

بررسی ویژگی‌های مسکن از ابعاد مختلف تا حدودی بیانگر تنوع و اختلاط در گروه‌های مختلف درآمدی در شهر و یا برعکس وجود شکاف طبقاتی و جدایی و مرز بندی بین داراییان و کم‌درآمدان شهری است. تنوع در ویژگی‌های مسکن از جنبه بررسی «سطح زیربنای واحد مسکونی» و «قیمت مسکن» در مناطق مورد بررسی قرار گرفته است.

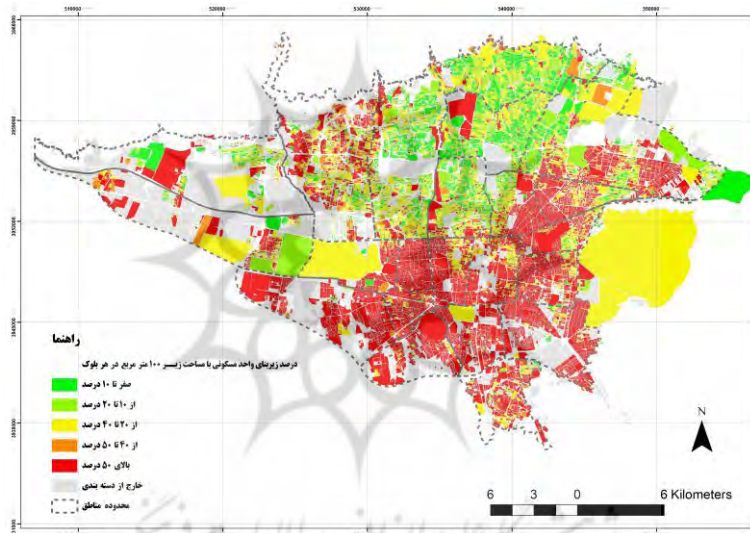
– سطح زیربنای واحد مسکونی

جدول شماره هشت سطح زیربنای واحدهای مسکونی را به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران نشان می‌دهد. اعداد جدول نشان می‌دهد که سهم واحدهای مسکونی با متراژ زیر ۱۰۰ متر مربع زیر بنا به استثنای مناطق شمالی شهر شامل مناطق یک، دو، سه، پنج و ۲۲ و منطقه شش در مرکز شهر، در سایر مناطق بالغ بر ۵۰ درصد واحدهای مسکونی را شامل می‌شود. کم‌ترین نسبت واحدهای مسکونی زیر ۱۰۰ متر مربع زیر بنا مربوط به منطقه یک با ۱۸،۶ درصد کل واحدهای مسکونی و بیشترین نسبت در منطقه ۱۰ با ۸۵،۳ درصد کل واحدهای مسکونی می‌باشد که اختلاف ۶۶،۷ درصدی را بین این مناطق نشان می‌دهد.

جدول ۸. سطح زیربنای واحد مسکونی در مناطق شهر تهران (درصد)

منطقه	زیر صد متر مربع	بالای صد متر مربع	اظهار نشده	کل	منطقه	زیر صد متر مربع	بالای صد متر مربع	اظهار نشده	کل
۱	۱۸,۶	۸۰,۶	۰,۷	۱۰۰	۱۳	۶۲,۵	۳۷,۶	۰,۰	۱۰۰
۲	۲۴,۲	۷۵,۸	۰,۱	۱۰۰	۱۴	۷۰	۳۰,۱	۰,۰	۱۰۰
۳	۱۹,۳	۸۰,۳	۰,۴	۱۰۰	۱۵	۸۴,۶	۱۵,۳	۰,۰	۱۰۰
۴	۵۱,۷	۴۸,۳	۰,۱	۱۰۰	۱۶	۷۹,۸	۲۰,۱	۰,۰	۱۰۰
۵	۴۴,۵	۵۵,۵	۰,۰	۱۰۰	۱۷	۸۲,۳	۱۷,۷	۰,۰	۱۰۰
۶	۲۳,۲	۷۶,۸	۰,۱	۱۰۰	۱۸	۸۳,۷	۱۶,۲	۰,۰	۱۰۰
۷	۶۰,۴	۳۹,۸	۰,۰	۱۰۰	۱۹	۷۸,۵	۲۱,۶	۰,۰	۱۰۰
۸	۶۳,۷	۳۶,۳	۰,۰	۱۰۰	۲۰	۶۸,۶	۳۱,۳	۰,۰	۱۰۰
۹	۷۲,۵	۲۷,۵	۰,۰	۱۰۰	۲۱	۵۰	۵۰	۰,۰	۱۰۰
۱۰	۸۵,۳	۱۴,۸	۰,۰	۱۰۰	۲۲	۳۴,۱	۶۵,۸	۰,۰	۱۰۰
۱۱	۷۰,۹	۲۹,۱	۰,۰	۱۰۰	تهران	۵۷	۴۲,۹	۰,۱	۱۰۰
۱۲	۶۳,۳	۳۶,۶	۰,۱	۱۰۰					

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰



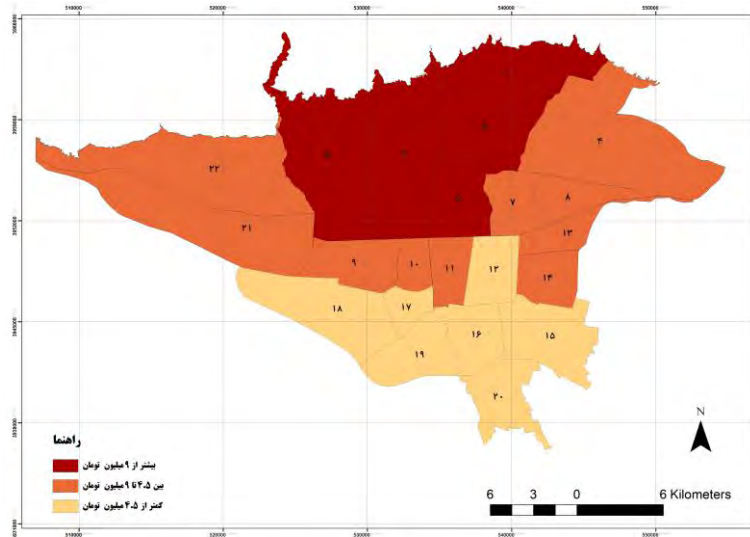
شکل ۲. سطح زیربنای واحد مسکونی در شهر تهران

منبع: با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

– قیمت و اجاره بهای مسکن

در شهر تهران قیمت مسکن همواره دارای روند صعودی بوده و متوسط قیمت آن در شهر تهران از ۴۷۵ هزار ریال در سال ۱۳۷۰ به ۷۶۰۱۷ هزار ریال در سال ۱۳۹۷ با نرخ رشد متوسط سالانه ۲۰,۶۵ درصد افزایش یافته است. بالاترین متوسط قیمت مسکن در سال ۱۳۹۷ مربوط به منطقه یک با ۱۶۸۷۳۱ هزار ریال به ازای هر متر مربع و کمترین به منطقه ۱۸ با ۳۱۹۵۹ هزار ریال می‌باشد که در این زمینه شکاف ۵۲۷ درصدی را بین این مناطق نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای موجود این شکاف در سال ۱۳۷۵، ۲۸۷ درصد بوده است. در مناطق یک تا شش متوسط قیمت هر متر مربع بالاتر از میانگین شهر تهران و در مناطق هفت تا ۲۲ پایین‌تر از میانگین بوده است. نکته قابل توجه در این زمینه رشد بالای قیمت واحد مسکونی در مناطق جنوبی شهر تهران در سال‌های گذشته بوده است. میانگین نرخ رشد قیمت یک متر مربع واحد مسکونی در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۳ در مناطق نیمه جنوبی (نه تا ۲۰) حدود ۲۰,۵۰ درصد بوده که این میانگین برای شهر تهران نیز ۲۱,۴ درصد بوده است. این وضعیت رفته‌رفته امکان تأمین مسکن در شهر تهران را به ویژه برای خانوارهای با درآمد کمتر مشکل ساخته و این روند بخش قابل توجهی از دهک‌های

پایین درآمدی را به سمت اسکان در هاله‌های پیرامونی و عمدتاً کانون‌های سکونت غیررسمی به دلیل امکان تأمین مسکن تشویق نموده است. بخشی از رشد جمعیتی بالای کانون‌های جمعیتی پیرامون شهر تهران ناشی از این مسئله است.



شکل ۳. متوسط قیمت یک متر مربع زیر بنای مسکونی در مناطق شهر تهران - سال ۱۳۹۷

منبع: با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷

جدول ۹. متوسط قیمت یک متر مربع زیر بنای مسکونی و متوسط مبلغ اجاره ماهانه در مناطق شهر تهران - ۱۳۹۷

متوسط مبلغ اجاره ماهانه به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک متر مربع زیربنای مسکونی (ریال)	متوسط قیمت هر متر مربع (هزار ریال)	منطقه	متوسط مبلغ اجاره ماهانه به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک متر مربع زیربنای مسکونی (ریال)	متوسط قیمت هر متر مربع (هزار ریال)	منطقه
۳۰۸۶۳۹	۶۴۳۴۷	منطقه ۱۳	۵۹۷۶۶۲	۱۶۸۷۳۱	منطقه ۱
۲۷۳۹۸۸	۵۵۹۰۵	منطقه ۱۴	۵۰۰۳۴۰	۱۲۳۷۲۷	منطقه ۲
۲۰۷۹۷۴	۴۱۳۹۸	منطقه ۱۵	۵۶۲۵۷۲	۱۴۳۸۲۵	منطقه ۳
۲۰۲۶۹۵	۳۸۳۱۴	منطقه ۱۶	۳۴۷۷۱۳	۸۳۱۸۴	منطقه ۴
۱۷۸۴۴۰	۳۵۵۲۱	منطقه ۱۷	۳۸۹۱۰۷	۹۳۵۲۰	منطقه ۵
۱۶۵۹۳۸	۳۱۹۵۹	منطقه ۱۸	۴۴۰۴۲۹	۱۰۵۵۹۴	منطقه ۶
۱۵۸۹۲۶	۳۸۲۷۸	منطقه ۱۹	۳۷۴۱۱۹	۷۴۲۳۸	منطقه ۷
۱۶۴۷۵۳	۳۲۹۳۹	منطقه ۲۰	۳۴۰۴۶۷	۷۴۳۶۶	منطقه ۸
۲۵۴۲۴۷	۵۱۴۹۹	منطقه ۲۱	۲۵۵۴۸۹	۴۹۱۱۳	منطقه ۹
۲۵۲۶۴۷	۶۷۲۶۲	منطقه ۲۲	۲۷۱۳۳۸	۴۹۱۸۷	منطقه ۱۰
۳۳۱۷۶۸	۷۶۰۱۷	شهر تهران	۲۷۶۱۷۰	۴۹۰۳۶	منطقه ۱۱
-	-	-	۲۶۷۳۳۴	۴۲۵۰۵	منطقه ۱۲

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷

در زمینه متوسط مبلغ اجاره ماهانه (به علاوه سه درصد ودیعه پرداختی) برای اجاره یک متر مربع زیربنای مسکونی نیز بالاترین میزان با ۵۹۷۶۶۲ ریال مربوط به منطقه یک و کمترین به منطقه ۱۹ با ۱۵۸۹۲۶ ریال بوده است که شکاف ۳۷۶ درصدی را بین این مناطق نشان می‌دهد. در مناطق یک تا هشت متوسط مبلغ اجاره ماهانه بالاتر از میانگین شهر تهران و در مناطق نه تا ۲۲ پایین‌تر از میانگین بوده است.

بررسی ابعاد مختلف مسکن در شهر تهران نشان می‌دهد که نه تنها تنوع در آن متناسب با گروه‌های مختلف درآمدی در مناطق مختلف وجود ندارد بلکه شکاف و اختلاف در ویژگی‌های آن مشهود است. به بیان دیگر الگوی ساخت و ویژگی‌های مسکن در مناطق شهر تهران از ابعاد مختلف داری تفاوت‌های فاحشی با یکدیگر است.

نتیجه

در این پژوهش تلاش گردیده که بر پایه رویکردهای جدید با تأکید بر صورت بندی دیالکتیکی مفهوم عدالت فضایی از نظر سوجا و دیکسی، تحلیل متفاوتی از گفتمان عدالت فضایی بر مبنای واکاوی رابطه عدالت/ ناعدالتی و فضا در شهر تهران ارائه گردد. در این راستا زیر بنای فکری برای ارائه نتایج پژوهش به صورت زیر بوده است.

- از طریق ساختار فضایی و نتایج توزیعی شهری نمی‌توان به همه تفکرات و روابط اجتماعی و اقتصادی تولید فضا از جنبه عادلانه و یا ناعادلانه بودن آن، همان طور که در شهر تهران نیز مشاهده شد، پی برد. بنابراین می‌بایست تمرکز را از تجسم‌های فضایی ناعدالتی به پویایی‌های ساختاری که ناعدالتی را از طریق فضا تولید و باز تولید می‌کند، تغییر دهیم.
- فرایندهایی چون عدالت و ناعدالتی فضایی خود را در فضا به گونه‌های مختلف و متفاوت آشکار می‌کنند و بنابراین باید آن‌ها را در شرایط نهادی، قانونی و برنامه ریزی که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند، کشف کرد. در بسیاری از موارد سیاست‌های دولتی و شهری شواهد معینی (از جمله اسناد سیاست‌گذاری) را به کار می‌گیرد تا نظم فضایی خاصی را تثبیت کنند. همان طور که در این پژوهش نیز اثبات گردید یکی از فرایندهای تولید و باز تولید عدالت/ ناعدالتی فضایی، سیاست‌گذاری شهری و قوانین برنامه‌ریزی هستند.
- برنامه‌ریزی برای عدالت فضایی نیز با هر دو مورد فرایندها و برآیندهای (نتایج) برنامه‌ریزی سر و کار دارد. بنابراین در این پژوهش نیز رابطه بین سیاست‌گذاری و عدالت فضایی در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

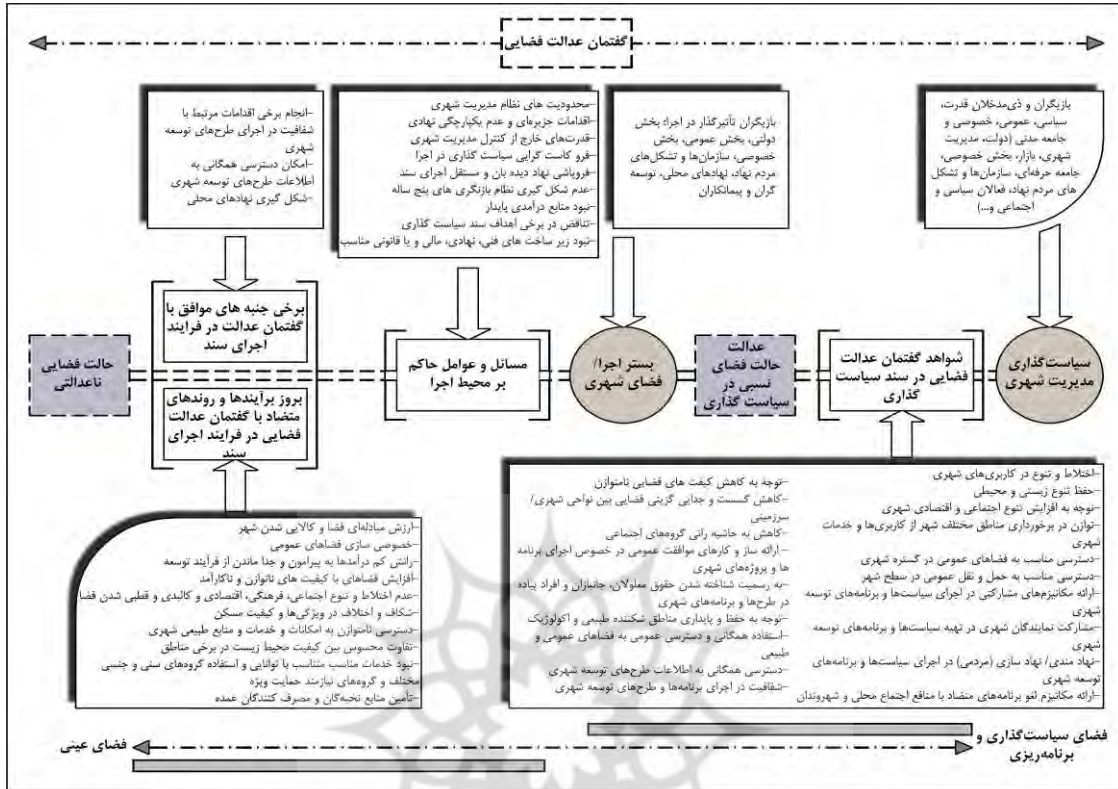
بر این اساس، نتیجه پژوهش در قالب صورت‌بندی دیالکتیکی از مفهوم سازی گفتمان عدالت فضایی مبتنی بر دو مفهوم «عدالت/ ناعدالتی حالت فضایی» و «حالت فضایی ناعدالتی/ عدالت» ارائه شده است. در چارچوب مفهوم نخست؛ در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران، برخی زمینه‌ها و ابعاد عدالت فضایی مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان آن را «عدالت حالت فضایی نسبی» در سیاست‌گذاری مدیریت شهری قلمداد کرد. در چارچوب مفهوم دوم؛ نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که در بستر اجرا در شهر تهران حالت فضایی ناعدالتی نمود عینی دارد و اهداف مورد نظر سیاست‌گذاری مدیریت شهری در بسیاری از زمینه‌ها محقق نشده و یا مسیر متفاوتی را طی کرده است. به طوری که وضعیت موجود شهر تهران با ایده‌ها و ساختارهای مدنظر سند سیاست‌گذاری در زمینه گفتمان عدالت فضایی فاصله زیادی دارد. نتیجه کلی این که هر چند سند حداقل در اهداف و نیت خود به برقراری عدالت فضایی در شهر تهران توجه داشته، اما بین اهداف سیاستی و تصمیم‌های نهادی- اجرایی سازگاری اندکی وجود داشته و در نتیجه آثار واقعی این تصمیم‌ها، متفاوت از این اهداف بوده است. این رویکرد دیالکتیکی در ارتباط با شرایط شهر تهران به صورت الگوی شکل شماره چهار می‌باشد.

اگر سیاست‌گذاری عادلانه منجر به عدالت عینی در فضای شهری نمی‌شود؛ یا قوانین پشتیبان ناعادلانه و ناکارآمد هستند و یا سیاست‌گذاری در اجرا مسیر متفاوتی را طی کرده و از شفافیت و ساز و کارهای کنترلی لازم برخوردار نبوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که سیاست‌گذاری شهری در فضای شهر تهران به گونه‌ای متفاوت نمایان می‌شود. بنابراین باید آن را در شرایط نهادی و اجرایی، روابط پنهان قدرت و قوانین و ضوابط در خدمت سرمایه که بر آن تأثیر می‌گذارند و تولیدکننده ناعدالتی شهری هستند جستجو و کشف کرد. همان طور که هاروی نیز عنوان می‌کند حقوق شهری، شهروندی و عدالت از انواع آن (اجتماعی، فضایی و محیطی) از نهادهای قدرت سیاسی متأثر هستند. الگوهای مختلف اداره شهر، برنامه‌ها و طرح‌های شهری، قوانین و مقررات شهری همگی در نظام حکمروایی جای دارند. برخی از حقوق شهری در داخل این نظام‌ها ضابطه‌مند شده و برخی به سادگی کنار گذاشته شده و یا به وسیله فرایندهای هزار توی بوروکراسی به صورت مبهم و غیر قابل اجرا درآمده‌اند.

در شهر تهران هر چند در محتوای سیاست‌گذاری (طرح جامع) برخی مصادیق و مؤلفه‌های منطبق بر معیارهای عدالت فضایی وجود داشته اما در بستر اجرا به نتیجه عادلانه منجر نشده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌گذاری‌های مدیریت شهری از راه‌هایی اجرا می‌شوند که غیر دموکراتیک بوده و فضاهایی شهری که در این فرایند تولید و باز تولید می‌شوند، در پاسخگویی به نیاز طبقات کم درآمد و غیر برخوردار شهری شکل نگرفته‌اند. به بیان دیگر آثار این سیاست‌گذاری‌ها تأمین‌کننده منافع همگانی و عمومی نبوده و به قول دیوید هاروی، خرده‌نخبه‌گان شهری، مازاد شهری را با توجه به اهداف شخصی‌شان تولید و مدیریت می‌کنند.

با این تفاسیر می‌توان این گزاره مهم را دوباره مورد توجه قرار داد که لزوماً سیاست‌گذاری عادلانه (و یا لاقلاً نسبتاً عادلانه) به نتایج عادلانه منجر نمی‌شود. در نتیجه شهرها و از جمله شهر تهران باید بتوانند بین معیارها و ارزش‌هایی مورد توجه در گفتمان

عدالت فضایی همچون مشارکت، آزادی (به صورت مفهوم مورد نظر در این پژوهش)، تنوع، شفافیت، تفاوت، همه شمولی، نفی حاشیه‌ای شدن و برابری فرصت‌ها که برای دستیابی به عدالت فضایی ضروری هستند، در سیاست‌گذاری و در اجرا تعادل برقرار کنند.



شکل ۴. چارچوب مفهومی و صورت‌بندی گفتمان عدالت فضایی در شهر تهران

برای رسیدن به عدالت در شهر، ساختار قدرت نیازمند تعدیل و ایجاد اشکال و مسیرهای جدید به نفع گروه‌های فقیر است. گشودن این مسیرها می‌تواند از تعهد نهادهای حوزه عمومی همچون حزب‌های سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های حرفه‌ای و اتحادیه‌ها به وجود آید و آن‌ها باید در درون این ساختار و یا به قول جین هیلیبر «سایه روشن نابرابری‌های قدرت» به نحو کارآمدتری عمل کنند. توسعه شهری در شهر تهران نیز نیازمند گفتمان جدید از نگاهی دیگر است. گفتمانی که مبتنی بر تحول مردمی و اجتماعی از درون، بوم محوری، در نظر گرفتن عدالت درون و میان نسلی، تأمین نیازهای پایه و احیای منابع محیطی شکل بگیرد. نه این که به صورت بازگشایی شهر برای سرمایه‌های جهانی و منطق رشد اقتصادی بدون محدودیت در قالب اشکال فضایی از جمله مگا مال‌ها، پل‌های دو سه طبقه و... خود را به رخ بکشد. در نهایت می‌توان عنوان کرد که نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند در آشکار ساختن برخی روابط اجتماعی نظام هرمونیک که در تولید فضا وجود دارد و همچنین در ارائه رویکردهای نو در زمینه سیاست‌گذاران شهری مبتنی بر گفتمان عدالت فضایی راه‌گشا باشد.

منابع

اشمید، کریستین. (۱۳۹۴). نظریه تولید فضای هانری لافور: به سوی دیالکتیک سه وجهی. در کتاب درآمدی بر تولید فضای هانری لافور (صص ۱۵۲-۱۸۰). گردآوری و ترجمه آیدین ترکمه، تهران: انتشارات تیسرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. (۱۳۹۷). طرح ارزیابی تأثیرات اقدامات شهرداری تهران در حوزه معاونت خدمات شهری و محیط زیست بر شاخص‌های عدالت اجتماعی و ارائه راهکارهای بهینه‌سازی. برای مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

دیسکی، مصطفی. (۱۳۹۲). *عدالت و تخیل فضایی*. در پیتر مارکوس، جیمز کنولی، جوهانز نووی، اینگرید اولیوو، سوز پاتر و جان استیل (ویراستاران)، در جستجوی شهر عدالت محور، بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری (صص ۱۱۹-۱۳۸). ترجمه هادی سعیدی رضوانی و محبوبه کشمیری، تهران: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر.

ژلنیتس، آندری. (۱۳۹۶). *فضا و نظریه اجتماعی*، ترجمه آیدین ترکمه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مرکز آمار ایران، *اطلاعات قیمت و اجاره مسکن در شهر تهران طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۷*.

مرکز آمار ایران، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵*.

مریفلد، اندی. (۱۳۹۴). *هانری لافور یک سوسیالیست در فضا*. در مایک گزنگ و نایجل ثریفت (ویراستاران)، *اندیشیدن درباره فضا* (صص ۲۱۱-۲۳۰). ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مهندسان مشاور توسعه بوم سازگان پایدار. (۱۳۸۵). *طرح راهبردی- ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران)*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

هاروی، دیوید به همراه پاتر، سوز. (۱۳۹۲). *حق حضور در شهر عدالت محور*. در پیتر مارکوس، جیمز کنولی، جوهانز نووی، اینگرید اولیوو، سوز پاتر و جان استیل (ویراستاران)، در جستجوی شهر عدالت محور، بحث‌هایی در نظریه و تجربه شهری (صص ۷۷-۹۱). ترجمه هادی سعیدی رضوانی و محبوبه کشمیری، تهران: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر.

هیلیبر، جین. (۱۳۸۸). *سایه‌های قدرت؛ حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی*. ترجمه کمال پولادی، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.

وزارت راه و شهرسازی (۱۳۹۵). *پاورپوینت تخلفات شهرداری تهران در پروژه‌های بلندمرتبه سازی*. تهران.

References

- Dikeç, M. (2009). Space, politics and (in)justice. *justice spatiale / Spatial justice*, 01, pp.1-8. Retrieved 2017, from www.jssj.org. **(in English)**
- Dikeç, M. (2013). *Justice and Spatial Imagination*. In P. Marcuse., J. Connelly., J. Novy., I. Olivo., C. Potter & J. Steil (Eds.), *Searching for the Just City: Debates in Urban Theory and Practice* (pp.119-138). Translated by Hadi Saeedi Rezvani & Mahjoobe Keshmiri, Tehran: Cultural & Artistic Organization of Tehran Municipality, The City Press Institute. **(in Persian)**
- Fainstein, S. S. (2000). New Directions in Planning Theory. *Urban Affairs Review*, 35(4) , 451- 478. **(in English)**
- Fainstein, S.S. (2005). Planning Theory and the City. *Journal of Planning Education and Research*, 25, 1-10. **(in English)**
- Fainstein, S.S. (2009). Spatial Justice and Planning. *Justice spatiale / Spatial Justice*, 01, pp.1-13. Retrieved 2015, from www.jssj.org. **(in English)**
- Fainstein, S.S. (2010). *The Just City*. New York: Cornell University Press. **(in English)**
- Harvey, D with Potter, C. (2013). *The Right to the Just City*. In P. Marcuse., J. Connelly., J. Novy., I. Olivo., C. Potter & J. Steil (Eds.), *Searching for the Just City: Debates in Urban Theory and Practice* (pp.77-91). Translated by Hadi Saeedi Rezvani & Mahjoobe Keshmiri, Tehran: Cultural & Artistic Organization of Tehran Municipality, The City Press Institute. **(in Persian)**
- Hillier, J. (20۰۹). *Shadows of power: an Allegory of prudence in land-use planning*. Translated by Kamal Pooladi, Tehran: Consulting Engineers Society of Iran. **(in Persian)**
- Institute of Human & Social Science Research. (2018). *Assessment of the Impact of Tehran municipality's Actions in the Field of Department of Urban Services and Environment on social justice indicators and proposing optimization strategies*. For the Tehran Urban Planning & Research. **(in Persian)**
- Merrifield, A. (2015). *Henry Lefebvre is a socialist in space*. In M. Crang., & N. Thrift (Eds.), *Thinking Space* (pp.211-230). Translated by Mahmoud Abdullahzadeh, Tehran: Bureau of Cultural Research Press. **(in Persian)**
- Ministry of Roads & Urban Development of Iran. (2016). *Power point Violations of Tehran municipality in High-Rise Construction Projects*. Tehran. **(in Persian)**
- Schmid, C. (2015). *Henri Lefebvre's Theory of Production of Space, Towards Three- Dimensional Dialectic*. In an Introduction to Henri Lefebvre's Theory of Production of Space (pp.152-180). Collected and Translated by Aydin Turkame, Tehran: Teesa Press. **(in Persian)**

- Soja, E.W. (2003). Writing the city spatially1. *City*, 7(3), 269-280. **(in English)**
- Soja, E.W. (2009). the city and spatial justice. *Justice spatiale / Spatial Justice*, 01, pp.1-9. Retrieved 2015, from www.jssj.org. **(in English)**
- Soja, E.W. (2010). Spatializing the urban, Part I. *City*, 14(6), 629-635. **(in English)**
- Soja, E.W. (2011). Spatializing justice, Part II. *City*, 15(1), 96-102. **(in English)**
- Soja, E.W; Dufaux, F; Gervais-Lambony, p; Buire, C; & Desbois, H. (2011). Spatial Justice and the Right to the City: An Interview with Edward Soja. *Justice spatiale / Spatial Justice*, 01, pp.1-8. Retrieved 2016, from www.jssj.org. **(in English)**
- Statistical Center of Iran. *General Census of Population and Housing from 1956 to 2016. (in Persian)*
- Statistical Center of Iran. *Price and Rental Housing Information of Tehran in the years 1991 to 2018. (in Persian)*
- Tose'e Boom Sazegane payedar Consulting Engineers. (2007). *Structural - Strategic Plan of Tehran City (Comprehensive Plan of Tehran)*. Tehran Urban Planning & Research. **(in Persian)**
- Zieleniec, A. (2017). *Space and Social Theory*. Translated by Aydin Turkame, Tehran: Scientific and Cultural Press Company. **(in Persian)**

